

قسمت

کادریهای آموزشی

همان‌طور که می‌دانید در بخش بودجه‌بندی امتحانات نهایی عربی شما عزیزان، دو نمره به بخش ترجمهٔ انواع فعل اختصاص یافته است؛ بنابراین باید با انواع آن و ترجمه هریک آشنا شوید. در این قسمت همهٔ نکات مربوط به ترجمهٔ فعل را در ۱۵ کادر همراه با سؤالات امتحانی آورده‌ایم.

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. قَرَّرَ الْمُزَارِعُ التَّخْلُصَ مِنْهَا. (دی ۱۴۰۰)
 ۲. جَلَسَ (نشست) ← هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ. (خرداد ۱۴۰۰)
 ۳. فَأَنْزَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. (شهریور ۹۹ - دی ۹۹)
 ۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنَا سَاعَدْتُ. (شهریور ۹۹)
 ۵. وَلَكِنَّ النَّبِيَّ ﷺ عَرَفَهَا. (خرداد ۹۹)
 ۶. «... مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنَ دُونِهِ» (خرداد ۹۹)
 ۷. أَمَرَ أَنْوَشِرَوَانَ أَنْ يُعْطِيَ لِلْفَلَاحِ أَلْفَ دِينَارٍ. (دی ۹۸)
 ۸. لَاحِظًا أَنَّ مَجْمُوعَةً مِنَ فِئْرَانِ الْحَقْلِ تَهْجُمُ عَلَى الْخَصْرَاوَاتِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
 ۹. فَأَخَذُوهَا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ. (دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)
 ۱۰. اِغْتَدَّرَ (پوزش خواست) ← اِغْتَدَّرْنَا. (دی خارج ۹۹)
 ۱۱. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
 ۱۲. قَطَعَ (برید) ← قَطَعَ يَدَهُ. (شهریور خارج ۹۸)
- إنتخب الصحيح:**
۱۳. أَحَدَ الرَّجُلِ يَدَ بِنْتِهِ وَ قَبَلَهَا وَ هَا عِنْدَهُ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
- (۱) جَلَسَ ○ (۲) أَجَلَسَ
○ (۳) أَجَلَسْتَ ○ (۴) جَالَسَ
۱۴. الرُّمْلَاءُ فِي صَالَةِ الإِمْتِحَانِ. (شهریور ۱۴۰۱)
- (۱) حَصَرَ ○ (۲) حَصَّرْنَ ○ (۳) حَصَّرُوا
○ (۱) قَدَّ الْمُؤْمِنَاتُ رَبَّهُنَّ. (خرداد ۱۴۰۱)
- (۱) دَكَّرَتْ ○ (۲) دَكَّرَ ○ (۳) دَكَّرَنَ
۱۶. جَمِيعُ الطُّلَابِ فِي صَالَةِ الإِمْتِحَانِ إِلاَّ جَوَادًا. (شهریور ۱۴۰۰)
- (۱) حَصَرَ ○ (۲) حَصَّرَتْ ○ (۳) حَصَّرُوا
○ (۱) اللَّاعِبُونَ الأيرانيون مِنَ المُسَابَقَةِ مُبْتَسِمِينَ. (خرداد ۱۴۰۰)
- (۱) رَجَعُوا ○ (۲) رَجَعَ ○ (۳) رَجَعْتُمْ
۱۸. العُلَمَاءُ عَلَى جَوَائِزِ نوبَلِ فِي مَجَالَاتِ الكِيمِيَاءِ. (دی ۹۹)
- (۱) حَصَلَتْ ○ (۲) حَصَلُوا ○ (۳) حَصَلَا

ماضي ساده

۲۲ تکرار

• فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند.

◀ كَتَبَ (نوشت)، رَجَعُوا (بازگشتند) و ...

• برای تشخیص فعل ماضی و شناخت آسان آن بهتر است به شناسه‌هایی که در آخر فعل می‌آید توجه کنید تا با شناخت آن‌ها فعل را در صیغه مناسب خود، ترجمه کنید، بنابراین به جدول زیر خوب دقت کنید.

فعل ماضی	شناسه	ضمیر	ترجمه
جَلَسْتُ	تُ	أنا (من)	نشستم
جَلَسْتَ	تَ	أنتَ (تو)	نشستی
جَلَسْتِ	تِ	أنتِ (تو)	
جَلَسْنَا	نا	نَحْنُ (ما)	نشستیم
جَلَسْتُمَا	تُما	أنتُما (شما)	نشستید
جَلَسْتُمْ	تُم	أنتُم (شما)	
جَلَسْتُنَّ	تُنَّ	أنتُنَّ (شما)	
جَلَسَا	ا	هُما	نشستند
جَلَسْتَا	ا	هُما	
جَلَسُوا	و	هُم	
جَلَسْنَ	نَ	هُنَّ	

◀ برای ضمیر «هُوَ: او» فعل ماضی بدون شناسه (جَلَسَ: نشست) و برای ضمیر «هِيَ: او» حرف «ت» نشانه مؤنث بودن فعل است. (جَلَسَتْ: نشست)

۱۹. گزینه «۱»: «وَقَفُوا» (المُهَنْدِسُونَ) جمع مذکر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید. ← ترجمه عبارت: مهندسان در کارخانه با لبخند ایستادند.

۲۰. گزینه «۲»: «تَخَلَّصْتُ» («إِنِّي») بر متکلم وحده دلالت دارد؛ بنابراین فعل پس از آن در همین صیغه می‌آید. ← ترجمه عبارت: به درستی که من با کشتن بسیاری از آن جغدها **رها شدم**.

۲۱. گزینه «۳»: «نَجَحْتُ» (فعل غایب اول جمله مفرد می‌آید و «الطَّالِبَاتِ» مؤنث است؛ بنابراین فعل مفرد مؤنث می‌آید). ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان در امتحان **موفق شدند**.

۲۲. گزینه «۲»: با توجه به «نَحْنُ» فعل ماضی «نَزَّلْنَا» صحیح است. ← ترجمه عبارت: به درستی که ما قرآن را بر تو قطعاً **نازل کردیم**.

۱۹. المُهَنْدِسُونَ فِي الْمَصْنَعِ مُتَّبِعِينَ. (شهریور ۹۸)

○ ۱) وَقَفُوا ○ ۲) وَقَفْنَ ○ ۳) وَقَفْنَا

۲۰. إِنِّي مِنَ الْبُومَاتِ بِقَتْلِ الْكَثِيرِ مِنْهَا. (دی ۹۷)

○ ۱) تَخَلَّصْتُ ○ ۲) تَخَلَّصْتُ ○ ۳) تَخَلَّصْتِ

۲۱. الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ. (خرداد ۱۴۰۰)

○ ۱) نَجَحَ ○ ۲) نَجَحْنَ ○ ۳) نَجَحْتِ

۲۲. إِنَّا نَحْنُ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا. (دی ۹۹)

○ ۱) نَزَّلْتُ ○ ۲) نَزَّلْنَا ○ ۳) نَزَّلُوا

پاسخ سؤالات

۱. تصمیم گرفت («فَرَزَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۲. نشست («جَلَسْتُ») فعل ماضی صیغه مفرد مؤنث غایب است.
۳. ناراحت شد («انْزَعَجَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۴. من کمک کردم («سَاعَدْتُ») فعل ماضی صیغه متکلم وحده است.
۵. شناخت («عَرَفَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۶. آفرید («خَلَقَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۷. دستور داد («أَمَرَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۸. دید («لَاخَظَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۹. گرفتند («أَخَذُوا») فعل ماضی صیغه جمع مذکر غایب است.
۱۰. پوزش خواستیم («اعْتَذَرْنَا») فعل ماضی صیغه متکلم مع الغیر است.
۱۱. نامه‌نگاری کردند («كَاتَبُوا») فعل ماضی صیغه جمع مذکر غایب است.
۱۲. بُرِدَ («قَطَعَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۱۳. گزینه «۲»: «أَجْلَسَ» («الزَّجَلُ») مفرد مذکر است و فعل نیز در همین صیغه مناسب جای خالی است. ← ترجمه عبارت: مرد دست دخترش را گرفت و او را بوسید و او را نزد خود **نشاند** (نشاند).
- دقت کنید دو فعل «جَلَسَ: نشست» و «جَالَسَ: هم‌نشینی کرد» از نظر معنایی مناسب نیستند.

۱۴. گزینه «۳»: «حَضَرُوا» (الزَّمْلَاءُ) جمع مذکر است و فعل در وسط عبارت مطابق با آن جمع مذکر می‌آید. ← ترجمه عبارت: هم‌کلاسی‌ها در سالن امتحان **حاضر شدند**.

۱۵. گزینه «۱»: «دَكَرْتُ» (المُؤْمِنَاتُ) جمع مؤنث است و نیز فعل غایب در ابتدای جمله مفرد مؤنث می‌آید. ← ترجمه عبارت: مؤمنان پروردگارش را **یاد کرده‌اند**.

۱۶. گزینه «۱»: «حَضَرَ» (فعل غایب در ابتدای جمله مفرد می‌آید و «جَمِيعَ» مذکر است؛ بنابراین مذکر نیز می‌آید). ← ترجمه عبارت: همه دانش‌آموزان به‌جز جواد در سالن امتحانات **حاضر شدند**.

۱۷. گزینه «۱»: «رَجَعُوا» (باللَّاعِبُونَ) که جمع مذکر است، فعل نیز در همین صیغه می‌آید. ← ترجمه عبارت: بازیکنان ایرانی با لبخند از مسابقه **بازگشتند**.

۱۸. گزینه «۲»: «حَصَلُوا» (العُلَمَاءُ) جمع مذکر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید. ← ترجمه عبارت: دانشمندان به جوایز نوبل در زمینه‌های شیمی **دست یافتند**.

ماضی منفی

• فعل ماضی با حرف «ما» منفی می‌شود.

◀ رَجَعُ (بازگشت) منفی ما رَجَعُ (بازنگشت)

ما + ماضی ← ماضی منفی

• فعل مضارع نیز با آمدن حرف «لَمْ» بر سر آن ماضی منفی ترجمه می‌شود.

◀ لَمْ + يَذْهَبُ ← لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)

لَمْ + فعل مضارع ← ماضی منفی

◀ توجه داشته باشید که دو حرف «لَمْ» و «لَمْ» را با هم اشتباه نگیرید، «لَمْ» وقتی قبل از فعل مضارع بیاید معنای آن را به ماضی منفی تبدیل می‌کند، ولی «لَمْ» مخفف «لِمَاذَا» به معنای «چرا، برای چه» کلمه پرسشی است.

لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؟	چرا می‌گوئید آن چه را که انجام نمی‌دهید؟
«أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ بَرِيٌّ»	آیا ندانست که خدا می‌بیند؟ <small>ماضی منفی</small>
لَمْ مَا عَمِلْتُمْ بِوَأَجَابَتِكُمْ؟	چرا به تکالیفتان عمل نکردید؟

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. هُوَ لَمْ يَرْجِعْ إِلَى مَصْنَعِهِ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
۲. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← الْكَسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمِ الدَّرْسَ. (دی ۱۴۰۱)
۳. شَجَّحَ (تشویق کرد) ← الْوَالِدَانِ لَمْ يُشَجِّعَا الطِّفْلَ. (خرداد ۱۴۰۱)
۴. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ. (خرداد ۱۴۰۱)
۵. دَكَرَ (یاد کرد) ← أَنْتُمْ مَا دَكَرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. (شهریور ۱۴۰۰)
۶. تَدَكَّرَ (به یاد آورد) ← مَا تَدَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. (دی ۱۴۰۰)
۷. اِمْتَنَحَ (خودداری کرد) ← لَمْ يَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ. (شهریور ۱۴۰۰)
۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ تُرْسِلَهُمْ إِلَّا مُبَشِّرِينَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۹. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ. (خرداد ۱۴۰۰)
۱۰. أَرْسَلَ (فرستاد) ← مَا أَرْسَلَ. (دی ۹۹)
۱۱. اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← هِيَ مَا اسْتَعْفَرَتْ. (شهریور ۹۹)

۱۲. **الوالِدُ لَمْ يُقَبِّلْ بِنْتَهُ.** (شهریور ۹۹ - دی ۹۹ - دی خارج ۹۷)
 ۱۳. **شَاهِدٌ (دید) لَمْ يُشَاهِدْ شَيْئاً.** (خرداد ۹۹)
 ۱۴. **لَمْ يُصَدِّقُوا قَوْلَ الشَّيْمَاءِ.** (خرداد ۹۹)
 ۱۵. **اجْتَهَدَ (تلاش کرد) هِيَ مَا اجْتَهَدَتْ.** (خرداد ۹۹)
 ۱۶. **هَذِهِ الْحَادِثَةُ لَمْ تُضْعِفْ عَزْمَهُ.** (دی ۹۸ - دی ۹۷)
 ۱۷. **اجْلَسَ (نشانید) هُمْ لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ.** (دی ۹۸)
 ۱۸. **مَاشَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا فَاطِمَةَ.** (دی ۹۷)

○ (۱) مشاهده می‌کردم

○ (۲) مشاهده نکردم

○ (۳) مشاهده نمی‌کنم

۱۹. **تَذَكَّرَ (به یاد آورد) مَا تَذَكَّرْتُ صَدِيقَكَ.** (خرداد خارج ۱۴۰۱)
 ۲۰. **عَلَّمَ (یاد داد) مَا عَلَّمْتَنِي.** (دی خارج ۱۴۰۰)
 ۲۱. **تَكَلَّمَ (سخن گفت) لَمْ يَتَكَلَّمَا.** (دی خارج ۱۴۰۰)
 ۲۲. **سَاعَدَ (کمک کرد) هُمْ لَمْ يُسَاعِدُوا.** (دی خارج ۱۴۰۰)
 ۲۳. **شَجَّعَ (تشویق کرد) لَمْ يُشَجِّعَنِي.** (خرداد خارج ۱۴۰۰)
 ۲۴. **جَالَسَ (همنشینی کرد) لَمْ يُجَالِسِ الْإِنْسَانَ الشَّيْءَ.** (خرداد خارج ۱۴۰۰)
 ۲۵. **تَذَكَّرَ (به یاد آورد) لَمْ يَتَذَكَّرْ إِسْمَهُ.** (خرداد خارج ۱۴۰۰)
 ۲۶. **لَمْ يُصَدِّقِ الْمُسْلِمُونَ قَوْلَ الشَّيْمَاءِ.** (دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)
 ۲۷. **اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) لَمْ يَسْتَغْفِرْ.** (دی خارج ۹۹)

پاسخ سوالات

۱. **برنگشت (لم + يَرْجِعُ ← لَمْ يَرْجِعْ (ماضی منفی))**
 ۲. **فرا نگرفت (لم + يَتَعَلَّمُ ← لَمْ يَتَعَلَّمْ (ماضی منفی))**
 ۳. **تشویق نکردند (لم + يُشَجِّعَانِ ← لَمْ يُشَجِّعَا (ماضی منفی))**
 ۴. **نفرستادند (لم + يُرْسِلُونَ ← لَمْ يُرْسِلُوا (ماضی منفی))**
 ۵. **یاد نکردید (ما + ذَكَرْتُمْ ← مَا ذَكَرْتُمْ (ماضی منفی))**
 ۶. **به یاد نیاوردید (ما + تَذَكَّرْتُمْ ← مَا تَذَكَّرْتُمْ (ماضی منفی))**
 ۷. **خودداری نکردند (لم + يَمْتَنِعُونَ ← لَمْ يَمْتَنِعُوا (ماضی منفی))**
 ۸. **نفرستادیم (لم + نُرْسِلُ ← لَمْ نُرْسِلْ (ماضی منفی))**
 ۹. **تلاش نکرد (لم + يَجْتَهِدُ ← لَمْ يَجْتَهِدْ (ماضی منفی))**
 ۱۰. **نفرستاد (ما + أَرْسَلَ ← مَا أَرْسَلَ (ماضی منفی))**
 ۱۱. **آمرزش خواست (ما + اسْتَعْفَرْتُ ← مَا اسْتَعْفَرْتُ (ماضی منفی))**
 ۱۲. **نبوسید (لم + يُقَبِّلُ ← لَمْ يُقَبِّلْ (ماضی منفی))**
 ۱۳. **ندید، مشاهده نکرد (لم + يُشَاهِدُ ← لَمْ يُشَاهِدْ (ماضی منفی))**
 ۱۴. **باور نکردند (لم + يُصَدِّقُونَ ← لَمْ يُصَدِّقُوا (ماضی منفی))**
 ۱۵. **تلاش نکرد (ما + اجْتَهَدْتُ ← مَا اجْتَهَدْتُ (ماضی منفی))**
 ۱۶. **ضعیف نکرد (لم + تُضْعِفُ ← لَمْ تُضْعِفْ (ماضی منفی))**
 ۱۷. **نشانیدند (لم + يُجْلِسُونَ ← لَمْ يُجْلِسُوا (ماضی منفی))**
 ۱۸. **گزینه (۲): مشاهده نکردم (ما + شاهدت ← ماشاهدت (ماضی منفی))**
 ۱۹. **به یاد نیاوردم (ما + تَذَكَّرْتُ ← مَا تَذَكَّرْتُ (ماضی منفی))**
 ۲۰. **یاد ندادید (ما + عَلَّمْتَنِي ← مَا عَلَّمْتَنِي (ماضی منفی))**

ماضی نقلی

• به فعلی گفته می‌شود که در زمان گذشته آغاز شده و اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.

• برای ساخت فعل ماضی نقلی از فرمولی استفاده می‌کنیم که در آن کلمه «قَدْ» به ابتدای فعل ماضی اضافه می‌شود.

❏ **قَدْ + ذَهَبَ ماضی نقلی ← قَدْ ذَهَبَ**

قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی

• فعل ماضی نقلی با فرمول «ماضی ساده + ه + شناسه (أم، ای، است، ایم، اید، اند) ترجمه می‌شود.

❏ **قَدْ عَلِمَ ← دانسته است / قَدْ عَلِمْتُ ← دانسته‌ام**

❏ **فعل ماضی نقلی منفی با آمدن حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود.**

(پس یادتون باشه ترکیب «لم + فعل مضارع» می‌تونه هم ماضی منفی ترجمه بشه و هم ماضی نقلی منفی)

❏ **لَمْ يَعْلَمُوا ترجمه** ① ندانستند (ماضی منفی) ② ندانسته‌اند (ماضی نقلی منفی)

- ایستگاه سؤال**
- تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:**
۱. **عَفَرَ (آمرزد) ← قَدْ عَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ.** (تذره ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰)
 ۲. **فَقَدَّ بَنِي مُؤَسَّسَةً.** (دی ۹۹)
 ۳. **اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← أَنْتُمْ قَدْ اسْتَعْفَرْتُمْ.** (شهریور ۹۹)
 ۴. **عَلَّمَ (یاد داد) ← قَدْ عَلَّمْت.** (دی خارج ۹۹)
 ۵. **عَامَلَ (رفتار کرد) ← قَدْ عَامَلْتُ جَيِّدًا.** (دی ۹۸)
 ۶. **تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنِ مَرَضِهِ.** (خرداد ۹۸)
 ۷. **تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← قَدْ تَذَكَّرْتُ.** (خرداد خارج ۹۸)
 ۸. **أَرْسَلَ (فرستاد) ← قَدْ أَرْسَلَ.** (خرداد خارج ۹۹)
 ۹. **إِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← قَدْ إِمْتَنَعْتُ.** (خرداد خارج ۱۴۰۰)
 ۱۰. **عَمِلَ (عمل کرد) ← قَدْ عَمِلْتُ.** (دی خارج ۱۴۰۰)
 ۱۱. **أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَبَرَ.** (خرداد خارج ۱۴۰۱)

- ◀ فعل مضارع در ساختار «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع» نیز به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.
- ◀ شاهذتُ طفلاً یَلْعَبُ. ← کودکی را دیدم که بازی می کرد.
ماضی + نکره + مضارع
- ◀ شاهذتُ الطفلَ یَلْعَبُ. ← کودک را دیدم درحالی که بازی می کرد.
ماضی + معرفه + مضارع

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

- تَذَكَّرُ (به یاد آورد) ← الْجَدَّةُ كَانَتْ لَا تَتَذَكَّرُ وَلَدَهَا. (شهریور ۱۴۰۰)
- إِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الطَّالِبُ كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. (خرداد ۱۴۰۰)
- قَطَعَ (برید) ← كَانَا يَقْطَعَانِ الْأَشْجَارَ. (شهریور ۱۴۰۰ - دی خراج ۱۴۰۰)
- جَلَسَ (نشست) ← كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ. (خرداد ۱۴۰۰)
- كَانَ يُرَبِّي أَنْوَاعَ الطَّيُورِ. (دی ۹۹)
- عَامَلَ (رفتار کرد) ← كَانُوا يُعَامِلُونَ جَيِّدًا. (شهریور ۹۹)
- الْبُومَاتُ كَانَتْ تَهْجُمُ عَلَى الْأَفْرَاحِ وَ تَأْكُلُهَا. (خرداد ۹۹)
- و هُوَ كَانَ يُوَاصِلُ عَمَلَهُ دَوْبًا. (دی ۹۸)
- أَلْفِرِدُ نَوْبِلِ كَانَ يَشْعُرُ بِخَيْبَةِ الْأَمَلِ. (دی ۹۷)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← كَانُوا يَتَكَلَّمُونَ بِسُرْعَةٍ. (خرداد خراج ۱۴۰۰)
- عَمِلَ (عمل کرد) ← كُنْتُ نَعْمَلُ. (دی خراج ۱۴۰۰)
- عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (خرداد خراج ۱۴۰۰)
- عَلَّمَ (یاد داد) ← كَانُوا يُعَلِّمُونَ الْعِلْمَ. (خرداد خراج ۱۴۰۰)
- تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← هُوَ كَانَ يَتَذَكَّرُ. (دی خراج ۹۹)
- كَاتَبَ (نامه نگاری کرد) ← كَانَا يُكَاتِبَانِ. (خرداد خراج ۹۹)
- إِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← كَانُوا يَجْتَهِدُونَ. (شهریور خراج ۹۸)
- قَطَعَ (برید) ← كَانُوا يَقْطَعُونَ.

إِنتَخَبَ الصَّحِيحُ:

- «فَهَذَا يَوْمَ الْبَعَثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ» (خرداد ۱۴۰۰ - دی خراج ۹۹)
 - (۱) لَا يُعَلِّمُونَ ○ (۲) لَا تَعْلَمُونَ ○ (۳) لَا تَعْلَمَنَّ
- كَانَ الطَّلَابُ إِلَى كَلَامِ أَسَاتِذِهِمْ. (دی ۹۹)
 - (۱) تَسْتَمِعُ ○ (۲) يَسْتَمِعُ ○ (۳) يَسْتَمِعُونَ
- كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ الْفُتْرَانِ عَلَى الْخَضْرَاوَاتِ. (خرداد ۹۸)
 - (۱) تَهْجُمُ ○ (۲) يَهْجُمُ ○ (۳) يَهْجَمُ
- لَيْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ. (خرداد خراج ۹۸)
 - (۱) دوری کرده است
 - (۲) دوری می کرد
 - (۳) دوری خواهد کرد

- آموزیده است (قَدْ + عَفَرَ ← ماضی نقلی)
- ساخته است (قَدْ + بَنَى (فعل ماضی) ← ماضی نقلی)
- آمزش خواسته اید (قَدْ + اسْتَعْفَرْتُمْ ← ماضی نقلی)
- یاد داده ای (قَدْ + عَلَّمْتُ ← ماضی نقلی)
- رفتار کرده ای (قَدْ + عَامَلْتُ ← ماضی نقلی)
- سخن گفته ایم (قَدْ + تَكَلَّمْنَا ← ماضی نقلی)
- به یاد آورده ای (قَدْ + تَذَكَّرْتُ ← ماضی نقلی)
- فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)
- خودداری کرده است (قَدْ + إِمْتَنَعْتُ ← ماضی نقلی)
- عمل کرده ام (قَدْ + عَمِلْتُ ← ماضی نقلی)
- فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)



- به فعلی گفته می شود که در گذشته چند بار تکرار شده است.
- می نوشتم، می آمدند، می خوردید و ...
- فعل ماضی استمراری با اضافه کردن صیغه های ماضی فعل «كَانَ» به قبل از صیغه های فعل مضارع ساخته می شود.
- **كَانَ + يَجْلِسُ ← كَانَ يَجْلِسُ**

كَانَ + فعل مضارع ← ماضی استمراری

- فعل ماضی استمراری با فرمول «می + ماضی ساده» ترجمه می شود.
- **كَانَ يَعْلَمُ ترجمه می دانست**
- به شکل های مختلف فعل «كَانَ» به همراه فعل مضارع و ترجمه آن ها در جدول بعد دقت کنید.

شکل های «كَانَ»	فعل مضارع	ترجمه
۱. كَانَ +	يَذْهَبُ	می رفت
۲. كَانَتْ +	تَذْهَبُ	
۳. كَانَا +	يَذْهَبَانِ	
۴. كَانَتَا +	تَذْهَبَانِ	می رفتند
۵. كَانُوا +	يَذْهَبُونَ	
۶. كُنَّ +	يَذْهَبْنَ	
۷. كُنْتُ +	تَذْهَبُ	می رفتی
۸. كُنْتِ +	تَذْهَبِينَ	
۹. كُنْتُمَا +	تَذْهَبَانِ	
۱۰. كُنْتُمْ +	تَذْهَبُونَ	می رفتید
۱۱. كُنْتُنَّ +	تَذْهَبْنَ	
۱۲. كُنْتُ +	أَذْهَبُ	می رفتم
۱۳. كُنَّا +	نَذْهَبُ	می رفتیم

- ◀ فعل ماضی در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» نیز، ماضی استمراری ترجمه می شود.
- ◀ لَيْتَ مُحَمَّدًا نَصَرَ صَدِيقَهُ. ← کاش محمد دوستش را یاری می کرد.
- (البته در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» فعل ماضی، ماضی بعید هم ترجمه می شه تو کادر بعدی براتون توضیح دادم پس هر دوتاش درسته.)

پاسخ سوالات

• به شکل‌های مختلف فعل ماضی بعید و ترجمه هر یک در جدول زیر دقت کنید.

ترجمه	ماضی بعید
رفته بود	۱. كَانَ (قَدْ) ذَهَبَ
	۲. كَانَتْ (قَدْ) ذَهَبَتْ
	۳. كَانَا (قَدْ) ذَهَبَا
رفته بودند	۴. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۵. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۶. كُنَّ (قَدْ) ذَهَبْنَ
رفته بودی	۷. كُنْتَ (قَدْ) ذَهَبْتَ
	۸. كُنْتِ (قَدْ) ذَهَبْتِ
رفته بودید	۹. كُنْتُمْ (قَدْ) ذَهَبْتُمْ
	۱۰. كُنْتُمْ (قَدْ) ذَهَبْتُمْ
	۱۱. كُنْتُنَّ (قَدْ) ذَهَبْتُنَّ
رفته بودم	۱۲. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ
رفته بودیم	۱۳. كُنَّا (قَدْ) ذَهَبْنَا

◀ فعل ماضی در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» را نیز می‌توان به صورت ماضی بعید ترجمه کرد. (تو کادر ۴ گفتیم هم ماضی استمراری و هم ماضی بعید، هر دو تاش درسته.)

◀ لَيْتَ التَّلْمِيذِ ابْتِعَادَ عَنِ الْكَسَلِ. ← کاش دانش آموز از تنبلی دوری کرده بود. (دوری می‌کرد.)

لَيْتَ + ماضی ماضی بعید

◀ فعل ماضی در ساختار «فعل ماضی + فعل ماضی» نیز به صورت ماضی بعید (یا ماضی ساده) ترجمه می‌شود.

◀ شاهذت صديقاً ساعدي في الدروس. ← دوستی را دیدم که به من در درس ها کمک کرده بود. (کمک کرد) ماضی بعید

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. كَانَ الْحَارِسَانِ قَدْ اَمْتَنَعَا عَنِ النَّوْمِ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
۲. كَتَبَ (نوشت) ← التَّلْمِيذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ. (دی ۱۴۰۱)
۳. لَعِبَ (بازی کرد) ← كَانُوا قَدْ لَعِبُوا فِي الْحَدِيقَةِ. (دی ۱۴۰۱)
۴. كَتَمَ (پنهان کرد) ← إِنَّهُ مَا كَانَ قَدْ كَتَمَ مَا يَخْلُمُ. (شهریور ۱۴۰۱)
۵. شَخَّخَ (تشویق کرد) ← كَانُوا قَدْ شَخَّخُوا اللَّاعِبِينَ. (خرداد ۱۴۰۱)
۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← إِنَّ الْحَارِسَ كَانَ قَدْ اِمْتَنَعَ. (شهریور ۱۴۰۰ - خرداد ۹۹)
۷. اَرْسَلَ (فرستاد) ← كَانَ قَدْ اَرْسَلَ الطَّعَامَ اِلَى. (خرداد ۱۴۰۰)
۸. اَلْفَرْدُ نَوْبِلَ كَانَ قَدْ سَعَرَ بِخَيْبَةِ الْأَمَلِ. (دی ۹۹)
۹. اَلْفَرْدُ نَوْبِلَ كَانَ قَدْ بَنَى مُخْتَبَرًا صَغِيرًا. (شهریور ۹۹)
۱۰. إِنَّهُ كَانَ قَدْ عَلَّمَ تَلَامِيذَهُ. (شهریور ۹۸)

۱. به یاد نمی‌آورد (كَانَتْ + لا + فعل مضارع «تَتَذَكَّرُ» ← ماضی استمراری منفی)

۲. خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يَمْتَنِعُ» ← ماضی استمراری)

۳. می‌بریدند (كَانَا + فعل مضارع «يَقْطَعَانِ» ← ماضی استمراری)

۴. می‌نشست (كَانَ + فعل مضارع «يَجْلِسُ» ← ماضی استمراری)

۵. پرورش می‌داد (كَانَ + فعل مضارع «يُرَبِّي» ← ماضی استمراری)

۶. رفتار می‌کردند (كَانُوا + فعل مضارع «يُعَامِلُونَ» ← ماضی استمراری)

۷. هجوم می‌آوردند (كَانَتْ + فعل مضارع «تَهْجُمُ» ← ماضی استمراری)

/ می‌خوردند [كَانَتْ] + فعل مضارع «تَأْكُلُ» ← ماضی استمراری)

۸. ادامه می‌داد (كَانَ + فعل مضارع «يُواصلُ» ← ماضی استمراری)

۹. احساس می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يَشْعُرُ» ← ماضی استمراری)

۱۰. سخن می‌گفتند (كَانُوا + فعل مضارع «يَتَكَلَّمُونَ» ← ماضی استمراری)

۱۱. عمل می‌کردی (كُنْتَ + فعل مضارع «تَعْمَلُ» ← ماضی استمراری)

۱۲. می‌دانستید (كُنْتُمْ + فعل مضارع «تَعْلَمُونَ» ← ماضی استمراری)

۱۳. یاد می‌دادند (كَانُوا + فعل مضارع «يُعَلِّمُونَ» ← ماضی استمراری)

۱۴. به یاد می‌آورد (كَانَ + فعل مضارع «يَتَذَكَّرُ» ← ماضی استمراری)

۱۵. با یکدیگر نامه‌نگاری می‌کردند (كَانَا + فعل مضارع «يُكَاتِبَانِ» ← ماضی استمراری)

۱۶. تلاش می‌کردند (كَانُوا + فعل مضارع «يَجْتَهِدُونَ» ← ماضی استمراری)

۱۷. می‌بریدند (كَانُوا + فعل مضارع «يَقْطَعُونَ» ← ماضی استمراری)

۱۸. گزینه «۲»: لا تَعْلَمُونَ (با توجه به فعل کمکی «كُنْتُمْ» فعل نیز

در صیغه جمع مذکر مخاطب می‌آید.) ← ترجمه آیه شریفه: پس

این روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.

۱۹. گزینه «۳»: يَسْتَمِعُونَ («الطُّلَابُ» جمع مذکر است و فعل نیز

مطابق با آن جمع مذکر می‌آید.) ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان به

سخن استاد خود گوش فرا می‌دادند.

۲۰. گزینه «۱»: تَهْجُمُ («كَانَتْ» فعل کمکی مفرد مؤنث غایب است

و فعل پس از آن مفرد مؤنث می‌آید.) ← ترجمه عبارت: گروه بزرگی

از موش‌ها بر سبزیجات هجوم می‌بردند.

۲۱. گزینه «۲»: دوری می‌کرد (لَيْتَ + فعل ماضی «اِبْتَعَدَ» ← ماضی استمراری)

• به فعلی گفته می‌شود که در گذشته دور انجام شده است.

◀ نوشته بودم، خوانده بودید، کمک کرده بودند و ...

• فعل ماضی بعید با آمدن صیغه‌های ماضی «كَانَ» + «قَدْ»

قبل از صیغه‌های فعل ماضی ساخته می‌شود.

◀ كَانْ + قَدْ + جَلَسَ ← كَانْ قَدْ جَلَسَ

◀ آوردن «قَدْ» اختیاری است؛ بنابراین گاهی این فعل بدون

«قَدْ» نیز می‌آید.

كَانْ + [قَدْ] ← ماضی بعید

• فعل ماضی بعید با فرمول «ماضی ساده + ه + بود + شناسه» ترجمه می‌شود.

◀ كَانْ قَدْ كَتَبَ ترجمه نوشته بود.

◀ كُنَّا قَدْ كَتَبْنَا ترجمه نوشته بودیم.



- فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت می‌کند.
- ▶ **يُنْصِرُ** (یاری می‌کند)، **تُرْجِعَانِ** (باز می‌گردند، باز می‌گردید)، **يُدَافِعُونَ** (دفاع می‌کنند) و ...
- در جدول زیر به شناسه‌های فعل مضارع و ضمایر هر یک به همراه ترجمه فعل دقت کنید.



فعل مضارع	شناسه	ضمیر	ترجمه
أَجْلِسُ	ندارد	أَنَا (من)	می‌نشینم
تَجْلِسُ		أَنْتَ (تو)	می‌نشینی
تَجْلِسِينَ	يَنْ	أَنْتِ (تو)	می‌نشینی
يَجْلِسُ	ندارد	هُوَ (او)	می‌نشیند
تَجْلِسُ		هِيَ (او)	می‌نشیند
نَجْلِسُ	ندارد	نَحْنُ (ما)	می‌نشینیم
تَجْلِسَانِ	ان	أَنْتُمَا (شما)	می‌نشینید
تَجْلِسُونَ	ون	أَنْتُمْ (شما)	
تَجْلِسِينَ	نَ	أَنْتُنَّ (شما)	
يَجْلِسَانِ	ان	هُمَا (آن دو)	می‌نشینند
تَجْلِسَانِ			
يَجْلِسُونَ	ون	هُمْ (ایشان)	
يَجْلِسِينَ	نَ	هُنَّ (ایشان)	

• همان‌طور که در جدول ملاحظه کردید فعل مضارع ساده به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود؛ «می + بن فعل + شناسه ← مضارع اخباری»

▶ **أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟** آیا در کارخانه کار می‌کنید؟

مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. تَذَكَّرْ (به یاد آورد) ← **الأصدقاء يتذكرون المعلم.** (شهریور ۱۴۰۱)
۲. **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.** (دی ۱۴۰۰)
۳. **أُرْسِلَ (فرستاد) ← هُم يُرْسِلُونَ الْخَبَرَ.** (شهریور ۱۴۰۰)
۴. **خَلَقَ (آفرید) ← يَخْلُقُونَ.** (دی ۹۹)
۵. «... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (دی ۹۸ - دی ۹۷)
۶. **شَاهِدْ (مشاهده کرد) ← أَشَاهِدُ.** (شهریور ۹۸)
۷. «... الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ» (دی خراج ۹۹)

۱۱. **إِنَّ أُنُوشِرُونَ كَانُوا قَدْ شَاهَدُوا شَجَرَةً.** (خرداد ۹۸)

۱۲. **رَخَّصَ (ارزان شد) ← أَسْعَارُ الْبَضَائِعِ كَانَتْ قَدْ رَخَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِيفِ.** (خرداد خراج ۱۴۰۱)

۱۳. **إِنَّ الْفَرِدَ كَانُوا قَدْ إِهْتَمُّ بِمَادَّةِ الدِّيْنَامِيْتِ وَ كَانُوا يَعْمَلُونَ عَلَى تَطْوِيرِهَا.** (دی خراج ۱۴۰۰)

۱۴. **جَعَلَ (قرار داد) ← كُنَّ قَدْ جَعَلْنَ.** (خرداد خراج ۱۴۰۰)

۱۵. **صَنَعَ (ساخت) ← كَانُوا قَدْ صَنَعُوا.** (خرداد خراج ۱۴۰۰)

۱۶. **يُحْكِي أَنَّ مزارعاً كَانَتْ لَهُ مَرْزَعَةٌ كَبِيرَةٌ.** (دی خراج ۹۹)

۱۷. **ذَكَرَ (یاد کرد) ← كَانَتْ قَدْ ذَكَرَتْ.** (دی خراج ۹۹)

۱۸. **تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَيْتَهُمْ تَكَاتَبُوا.** (شهریور خراج ۹۸)

إِتِّخَابُ الصَّحِيحِ:

۱۹. **كَانَ الْحَارِيسُ قَدْ عَنِ النَّوْمِ.** (دی خراج ۹۹)

○ (۱) اِمْتَنَعَ

○ (۲) اِمْتَنَعَتْ

○ (۳) تَمَتَّنَعُ

پاسخ سؤالات

۱. خودداری کرده بودند (كان ... + قد + فعل ماضی (امتنعنا) ← ماضی بعید)
۲. نوشته بودند (كُنَّ + قد + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)
۳. بازی کرده بودند (كانوا + قد + فعل ماضی (لعبوا) ← ماضی بعید)
۴. پنهان نکرده بود (ما كان + قد + فعل ماضی (كتمم) ← ماضی بعید منفی)
۵. تشویق کرده بودند (كانوا + قد + فعل ماضی (شجعوا) ← ماضی بعید)
۶. خودداری کرده بود (كان + قد + فعل ماضی (امتنع) ← ماضی بعید)
۷. فرستاده بود (كان + قد + فعل ماضی (أرسل) ← ماضی بعید)
۸. احساس کرده بود (كان + قد + فعل ماضی (شعر) ← ماضی بعید)
۹. ساخته بود (كان + قد + فعل ماضی (بنى) ← ماضی بعید)
۱۰. یاد داده بود (كان + قد + فعل ماضی (علم) ← ماضی بعید)
۱۱. مشاهده کرده بود (كان + قد + فعل ماضی (شاهد) ← ماضی بعید)
۱۲. ارزان شده بود (كانت + قد + فعل ماضی (رخصت) ← ماضی بعید)
۱۳. اهمیت داده بود (كان + قد + فعل ماضی (اهتم) ← ماضی بعید)
۱۴. قرار داده بودند (كنن + قد + فعل ماضی (جعلن) ← ماضی بعید)
۱۵. ساخته بود (كان + قد + فعل ماضی (صنع) ← ماضی بعید)
۱۶. داشت (كانت + لـ ← داشت) (یادتان باشد «كان» در شکل‌های مختلف به همراه «ل» معنای «داشتن» می‌دهد.)
۱۷. یاد کرده بود (كانت + قد + فعل ماضی (ذكرت) ← ماضی بعید)
۱۸. نامه‌نگاری کرده بودند، نامه‌نگاری می‌کردند (آیت + فعل ماضی (تکاتبوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری)
۱۹. گزینه «۱»: «اِمْتَنَعَ (با توجه به فعل کمکی «كان» که مفرد مذکر است فعل پس از آن نیز مفرد مذکر می‌آید.) ← ترجمه عبارت: نگهبان از خواب خودداری کرده بود.

انتخب الفعل المناسب للفراغ:

۱۰. گزینه «۱»: «يُسَجِّعُونَ» («الْمُتَفَرِّجُونَ» جمع مذکر است؛ پس فعل نیز جمع مذکر می‌آید. ← ترجمه عبارت: تماشاگران تیم برنده‌شان را با شادی تشویق می‌کنند.)
۱۱. گزینه «۳»: «يَجْتَهِدَن» («الطَّالِبَات» جمع مؤنث است؛ و نیز با توجه به ضمیر متصل «هِنَّ» در کلمه «وَأَجِبَاتِهِنَّ» فعل به صورت جمع مؤنث غایب می‌آید.) ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان در انجام تکالیفشان تلاش می‌کنند.
۱۲. گزینه «۱»: «يُقَاتِلُونَ» («الَّذِينَ» جمع مذکر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید.) ← ترجمه آیه شریفه: همانا خداوند دوست می‌دارد کسانی را که در راهش صف کشیده می‌جنگند.
۱۳. گزینه «۳»: «يُسَجِّعُ» («الْمُتَفَرِّجُونَ» جمع مذکر است؛ و فعل در ابتدای عبارت مفرد مذکر می‌آید.) ← ترجمه عبارت: گردشگران تیم خود را تشویق می‌کنند.
۱۴. گزینه «۳»: «يَذْكَرُن» (با توجه به «المؤمنات» که جمع مؤنث است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد؛ فعل «يَذْكَرُن» مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: مؤمنان خدا را بسیار یاد می‌کنند.
۱۵. گزینه «۳»: «يُنَجِّحُن» (با توجه به «الطَّالِبَات» که جمع مؤنث است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يُنَجِّحُن» مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان در امتحان موفق می‌شوند.
۱۶. گزینه «۲»: «يَجْمَعُونَ» («الْفَلَاحُونَ» جمع مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید.) ← ترجمه عبارت: کشاورزان محصولات را در مزرعه‌ها جمع می‌کنند.
۱۷. گزینه «۳»: «يَذْهَبُونَ» («الصَّيَّادُونَ» بر جمع مذکر دلالت دارد؛ و فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: شکارچیان آفریقایی به محل پنهان شدن ماهی دهن شده می‌روند.
۱۸. گزینه «۲»: «يَسْتَعْلِمُونَ» (با توجه به «العَمَّال» که جمع مکسر است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَسْتَعْلِمُونَ» مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: کارگران در معادن کار می‌کنند.

۸. الشَّيَاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ. (دی ۱۴۰هـ)
۹. كُلُّ شَيْءٍ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبَ. (دی ۱۴۰۰هـ)
۱۰. الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ. (دی ۱۴۰۰هـ)
۱۱. الطَّالِبَاتُ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِنَّ. (شهریور ۹۹هـ)
۱۲. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا» (خرداد ۹۹هـ)
۱۳. الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمْ. (دی ۹۸هـ)
۱۴. إِنَّ الْمُؤْمِنَاتِ اللَّهُ كَثِيرًا. (خرداد ۹۸هـ)
۱۵. الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ. (دی ۹۷هـ)
۱۶. الْفَلَاحُونَ الْمَحَاصِيلَ فِي الْمَزَارِعِ. (دی خارج ۱۴۰۰هـ)
۱۷. الصَّيَّادُونَ الْإِفْرِيقِيِّونَ إِلَى مَكَانِ اخْتِفاءِ السَّمَكِ الْمَدْفُونِ. (دی خارج ۱۴۰۰هـ)
۱۸. الْعَمَّالُ فِي الْمَنَاجِمِ. (دی خارج ۹۷هـ)

پاسخ سوالات

۱. به یاد می‌آورند («يَتَذَكَّرُونَ» فعل مضارع و از باب «تَفَعَّل» است.) ← مضارع اخباری
۲. آموزش می‌خواهم («أَسْتَعْفِرُ» فعل مضارع و از باب «اِسْتِفْعَال» است.) ← مضارع اخباری
۳. می‌فرستند (مضارع اخباری)
۴. می‌آفرینند (مضارع اخباری)
۵. دوست می‌دارد («يُحِبُّ» فعل مضارع و صیغه مفرد مذکر غایب است.) ← مضارع اخباری
۶. مشاهده می‌کنم (مضارع اخباری)
۷. می‌شتابند («يُسَارِعُونَ» فعل مضارع و از باب «مُفَاعَلَة» است.) ← مضارع اخباری
۸. گزینه «۲»: «يَحْضُرُ» (با توجه به «الشَّيَاح» که جمع مکسر است و نیز در اول جمله، فعل به صورت مفرد می‌آید.) ← ترجمه عبارت: گردشگران در سالن فرودگاه حاضر می‌شوند.
۹. گزینه «۱»: «يَرْحُصُ» («كُلُّ شَيْءٍ» بر مفرد مذکر دلالت دارد؛ بنابراین فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: هر چیزی ارزان می‌شود هرگاه زیاد شود، به جز ادب.

مضارع منفی

• فعل مضارع با حرف «لا» و گاهی با حرف «ما» منفی می‌شود.

لا + فعل مضارع ← مضارع منفی

با آوردن «لا» ی نفی بر سر فعل مضارع، آخر فعل هیچ تغییری نمی‌کند.

لا + يَذْهَبُ ← لا يَذْهَبُ (نمی‌رود)

لا + يَذْهَبَانِ ← لا يَذْهَبَانِ (نمی‌روند)

• فعل مضارع منفی به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می‌شود.

لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرَسَكِ؟ ترجمه ← چرا درست را نمی‌نویسی؟

مضارع منفی

لا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي. ترجمه ← تو را به یاد نمی‌آورم ای هم‌کلاسی‌ام.

مضارع منفی

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:

۱. هُمْ لَا يَسْتَغْفِرُونَ.

۲. لَا تَطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

۳. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَا يَمْتَنِعُونَ.

۴. قَطَعَ (برید) ← لَا نَقْطَعُ.

۵. اَجْلَسَ (نشاند) ← لِمَاذَا لَا تُجْلِسِينَ الْأَطْفَالَ؟

۶. لَا تُثْمِرُ إِلَّا بَعْدَ عَشْرِ سِنَوَاتٍ.

۷. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَا يَتَكَلَّمُ.

۸. يَا بُنَيَّ لَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ.

۹. شَجَّحَ (تشویق کرد) ← لَا تُشَجِّعِينَ.

۱۰. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَا يُعَلِّمُونَ.

۱۱. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لَا يَعْبُدُ.

۱۲. غَفَرَ (آمرزید) ← لَا يَغْفِرُونَ.

۱۳. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي.

اِئْتِخِبِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفِرَاقِ:

۱۴. مَادَّةُ الدِّينَامِيْتِ إِلَّا بِإِرَادَةِ الْإِنْسَانِ.

○ ۱) لَمْ اِنْفَجَرَ ○ ۲) لَا يَنْفَجِرُ

○ ۳) لَا تَنْفَجِرُ ○ ۴) لَنْ اِنْفَجَرَ

۱۵. اللَّهُ مَنْ لَا يَزْحَمُ النَّاسَ.

○ ۱) لَا يَزْحَمُ ○ ۲) لَا يَزْحَمُ ○ ۳) لَا تَزْحَمُ

۱۶. حَصَلَتَانِ فِي مَوْهِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِبْدُ.

○ ۱) لَا يَجْتَمِعُ ○ ۲) لَا تَجْتَمِعَانِ ○ ۳) لَا تَجْتَمِعُ

۱۷. «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا»

(شهریور ۹۹)

○ ۱) تَشْكُرُونَ ○ ۲) يَشْكُرُونَ ○ ۳) يَشْكُرُوا

۱۸. أَمْسِ كُتُبَكَ إِلَّا كِتَابَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

(دی ۹۸ - دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)

○ ۱) مَا طَالَعَتْ ○ ۲) يُطَالَعُ ○ ۳) لَا تُطَالَعُ

۱. آمرزش نمی‌خواهند (لا + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُونَ) ← مضارع منفی)

۲. نمی‌خورید (لا + فعل مضارع (تَأْكُلُونَ) ← مضارع منفی)

۳. خودداری نمی‌کنند (لا + فعل مضارع (يَمْتَنِعُونَ) ← مضارع منفی)

۴. نمی‌بریم (لا + فعل مضارع (نَقْطَعُ) ← مضارع منفی)

۵. نمی‌نشانی (لا + فعل مضارع (تُجْلِسِينَ) ← مضارع منفی)

۶. میوه نمی‌دهد (لا + فعل مضارع (تُثْمِرُ) ← مضارع منفی)

۷. سخن نمی‌گوید (لا + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ) ← مضارع منفی)

۸. دوست نداری (لا + فعل مضارع (تُحِبُّ) ← مضارع منفی)

۹. تشویق نمی‌کنی (لا + فعل مضارع (تُشَجِّعِينَ) ← مضارع منفی)

۱۰. یاد نمی‌دهند (لا + فعل مضارع (يُعَلِّمُونَ) ← مضارع منفی)

۱۱. عبادت نمی‌کند (لا + فعل مضارع (يَعْبُدُ) ← مضارع منفی)

۱۲. نمی‌آمرزند (لا + فعل مضارع (يَعْفِرُونَ) ← مضارع منفی)

۱۳. تو را به یاد نمی‌آورم (لا + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی)

۱۴. گزینه «۳»: لَا تَنْفَجِرُ «مادّه» مفرد مؤنث است و فعل برای آن

در صیغه مفرد مؤنث صحیح است. ← ترجمه عبارت: ماده دینامیت

جز با اراده انسان منفجر نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه‌های (۱) و (۴): از نظر ساختار نادرست‌اند. (رجوع شود به کادر

۲ و ۹) (یادتون باشه که «لَمْ» و «لَنْ» بر سر فعل مضارع می‌آیند نه ماضی!!)

گزینه (۲): «لَا يَنْفَجِرُ» در صیغه مفرد مذکر غایب است و با «مادّه»

که مؤنث آمده مطابقت ندارد.

۱۵. گزینه «۲»: لَا يَزْحَمُ «اللّه» مفرد مذکر است؛ بنابراین فعل در

همین صیغه می‌آید، در ضمن در گزینه (۱) حرکت آخر فعل فتحه

گرفته و نادرست است. (یادتون باشه حرف «لا»ی نفی آخر فعل رو

تغییر نمی‌ده). ← ترجمه عبارت: خداوند به کسی که به مردم رحم

نمی‌کند، رحم نمی‌کند.

۱۶. گزینه «۳»: لَا تَجْتَمِعُ «حَصَلَتَانِ» مثنای مؤنث است؛ بنابراین

فعل مؤنث می‌آید. [رد گزینه ۱]، در ضمن فعل غایب ابتدای جمله

مفرد آورده می‌شود. [رد گزینه ۲]. ترجمه عبارت: دو ویژگی در مؤمن

جمع نمی‌شود؛ خسیس بودن و دروغ.

۱۷. گزینه «۲»: يَشْكُرُونَ «(لا»ی موجود در عبارت، «نفی» است؛

بنابراین آخر فعل تغییر نمی‌کند. [رد گزینه ۳] و نیز فعل مذکر می‌آید،

زیرا مرجع آن کلمه «أَكْثَرَ النَّاسِ» می‌باشد. [رد گزینه ۱] ← ترجمه

عبارت: همانا خداوند صاحب بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم

سپاس‌گزار نمی‌کنند.

۱۸. گزینه «۱»: (با توجه به قید «أَمْسِ» دیروز» که بر گذشته دلالت

می‌کند؛ فعل ماضی «مَا طَالَعَتْ» مناسب جای خالی است.) ← ترجمه

عبارت: دیروز کتاب‌هایت را مطالعه نکردی به جز کتاب عربی.

• فعلی است که دستور به انجام ندادن کاری می‌دهد.

◀ نپرس، نگویید، نروید و ...

• برای ساخت فعل نهی حرف «لا» را بر سرش صیغه مخاطب

می‌آوریم و آخر فعل را تغییر می‌دهیم. یعنی ضمّه آخر فعل

تبدیل به ساکن می‌شود و اگر آخر فعل «ن» داشت آن را حذف

می‌کنیم به جز «ن» جمع مؤنث.

لا + تَسْأَلُ نهی ← لا تَسْأَلُ (نپرس) (ساکن کردن آخر فعل)

لا + تَسْأَلَانِ نهی ← لا تَسْأَلَا (نپرسید) (حذف نون)

لا + تَسْأَلْنَ نهی ← لا تَسْأَلْنَ (نپرسید) (نون حذف همیشه)

U + فعل مضارع (با تغییر) ← نهی

• فعل نهی را به صورت امر منفی ترجمه می‌کنیم.

◀ لا تَخْرُجِي مِنَ الْبَيْتِ. ترجمه ← از خانه بیرون نرو.

فعل نهی

◀ لا تَتَكَلَّمُوا فِي الْمَكْتَبَةِ. ترجمه ← در کتابخانه سخن نگویید.

فعل نهی

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. كَتَمَ (پنهان كرد) ← صديقي العزيز! لا تكتم الحقيقة.
۲. صَنَعَ (ساخت) ← يا مهندس! لا تصنع هذا البناء.
۳. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لا تتكلموا في الصف.
۴. أُرْسِلَ (فرستاد) ← لا تُرسل رسالة.
۵. مِنْ فَضْلِكُمْ؛ لا تجادلوا.
۶. قَطَعَ (بريد) ← أيها الفلاح! لا تقطع شجرة.
۷. أُرْسِلَ (فرستاد) ← لا تُرسل هذه الرسالة.
۸. عَامِلٌ (رفتار كرد) ← إلهي لا تعامل بذلك.
۹. لا تطعموا المساكين مما لا تأكلون.
۱۰. سَاعَدَ (كمك كرد) ← أنت لا تساعدي.
۱۱. اِمْتَنَعَ (خودداری كرد) ← لا تمتنعوا.
۱۲. جالِسٌ (هم نشینی كرد) ← يا رجال! لا تجالسوا الأشرار.
۱۳. ذَكَرَ (ياد كرد) ← لا تذكر.
۱۴. لا تظلم كما لا تجب أن تظلم.
۱۵. قَطَعَ (بريد) ← لا تقطعوا صداقتكم.
۱۶. يا بُني، لا تقل ما لا تحب أن يقال لك.
۱۷. جالِسٌ (هم نشینی كرد) ← لا تجالس الأشرار.
۱۸. صَنَعَ (ساخت) ← لا تصنع هذا الباب.
۱۹. ذَكَرَ (ياد كرد) ← لا تذكروا.
۲۰. إلهي! لا تعاملنا بذلك.
۲۱. «و لا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الأعلون»

- ۱) سست نشويد
○ ۲) سست نمی شويد
○ ۳) نباید سست شويد

پاسخ سوالات

۱. پنهان نکن (لا + تكتم ← لا تكتم (نهی))
۲. نساژ (لا + تصنع ← لا تصنع (نهی))
۳. سخن نگویید (لا + تتكلمون ← لا تتكلموا (نهی))
۴. نفرست (لا + ترسل ← لا ترسل (نهی))
۵. بحث نکنید (لا + تجادلون ← لا تجادلوا (نهی))
۶. نبر (لا + تقطع ← لا تقطع (نهی))
۷. نفرست (لا + ترسل ← لا ترسل (نهی))
۸. رفتار نکن (لا + تعامل ← لا تعامل (نهی))
۹. نخورانید (لا + تطعمون ← لا تطعموا (نهی))
۱۰. کمک نکن (لا + تساعدين ← لا تساعدي (نهی))
۱۱. خودداری نکنید (لا + تمتنعون ← لا تمتنعوا (نهی))
۱۲. هم نشینی نکنید (لا + تجالسون ← لا تجالسوا (نهی))
۱۳. یاد نکن (لا + تذكر ← لا تذكر (نهی))
۱۴. ستم نکن (لا + تظلم ← لا تظلم (نهی))

۱۵. نبرید (لا + تقطعون ← لا تقطعوا (نهی))
۱۶. نگو (لا + تقول ← لا تقل (نهی))
۱۷. هم نشینی نکن (لا + تجاليس ← لا تجاليس (نهی))
۱۸. نساژ (لا + تصنع ← لا تصنع (نهی))
۱۹. یاد نکنید (لا + تذكرون ← لا تذكروا (نهی))
۲۰. رفتار نکن (لا + تعامل ← لا تعامل (نهی))
۲۱. گزینه «۱»: سست نشويد (لا + تهنون ← لا تهنوا (نهی))

مستقبل



• به فعلی گفته می شود که بر زمان آینده دلالت می کند و با اضافه شدن حرف «س / سوف» به اول فعل مضارع ساخته می شود.

س / سوف + فعل مضارع ← مستقبل

• در ترجمه فعل مستقبل از مشتقات فعل «خواه...» استفاده می کنیم.

← سيخرجُ ترجمه خارج خواهد شد.

← سوف نرجعُ ترجمه باز خواهیم گشت.

• فعل مستقبل با آمدن حرف «لن» بر سر فعل مضارع، منفی می شود.

← لن اجلسُ

لن + فعل مضارع ← مستقبل منفي

• در ترجمه فعل مستقبل منفي از مشتقات فعل «خواه...» استفاده می کنیم.

← لن تذهبُ ترجمه نخواهی رفت، نخواهد رفت

← لن تعلموا ترجمه نخواهید دانست

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. اِسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← لَنْ يَسْتَعْفِرَ الْمُشْرِكُ مِنْ ذَنْبِهِ. (دی ۱۴۰۱)
۲. سَاعَدَ (کمک كرد) ← سَأَسَاعِدُ صَدِيقِي فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهِ. (دی ۱۴۰۱)
۳. كَتَمَ (پنهان كرد) ← النَّاسُ لَنْ يَكْتُمُوا أَسْرَارَ حَيَاتِهِمْ. (شهریور ۱۴۰۱)
۴. صَنَعَ (ساخت) ← إِنَّهُ لَنْ يَصْنَعَ شَيْئاً. (خرداد ۱۴۰۱)
۵. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَتَتَذَكَّرُ الدَّرْسَ. (دی ۱۴۰۰)
۶. اِمْتَنَعَ (خودداری كرد) ← لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الْخُرُوجِ. (شهریور ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰)
۷. قَاتَلَ (جنگید) ← لَنْ تُقَاتِلُوا الْأَصْدِقَاءَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۸. اِمْتَنَعَ (خودداری كرد) ← لَنْ نَمْتَنِعَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۹. سَاعَدَ (کمک كرد) ← هُمْ لَنْ يُسَاعِدُوا. (شهریور ۹۹۹)
۱۰. اِجْتَهَدَ (تلاش كرد) ← هُمْ لَنْ يَجْتَهِدُوا. (خرداد ۹۹۹)
۱۱. نَجَحَ (موفق شد) ← سَوْفَ يَنْجَحُ. (شهریور ۹۹۸)
۱۲. شَاهَدَ (مشاهده كرد) ← لَنْ يُشَاهِدَ. (شهریور ۹۹۸)
۱۳. جالِسٌ (هم نشینی كرد) ← هُوَ لَنْ يُجَالِسَ الْأَعْدَاءَ. (خرداد ۹۹۸)
۱۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدِّي لَنْ يَتَذَكَّرَ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۵. سَاعَدَ (کمک كرد) ← لَنْ أَسَاعِدُهُمْ فِي الدَّنْبِ. (دی ۱۴۰۰)
۱۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَوْفَ يَتَذَكَّرُنَّ. (خرداد ۱۴۰۰)
۱۷. أُرْسِلَ (فرستاد) ← لَنْ تُرْسِلَ رِسَالَةً. (خرداد ۱۴۰۰)
۱۸. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَنْ يُعَلِّمَ. (دی ۹۹۹)

پاسخ سؤالات

۱. نباید بازی کند
(لا نهی) + فعل غایب (تَلَعَبَ) ← لا تَلَعَبْ ← مضارع التزامی منفی)
۲. نباید بنویسند
(لا نهی) + فعل غایب (يَكْتُبُونَ) ← لا يَكْتُبُوا ← مضارع التزامی منفی
۳. خودداری کنیم
(أَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← أَنْ نَمْتَنِعَ ← مضارع التزامی)
۴. نباید بجنگد (لا نهی) + فعل غایب (يُقَاتِلُ) ← لا يُقَاتِلْ (مضارع التزامی منفی))
۵. تا اجرا کند (لِ + فعل مضارع (يُجْرِي) ← لِيُجْرِيَ (مضارع التزامی))
۶. باید تلاش کنیم
(لِ + امر) + فعل متکلم (نَجْتَهِدُ) ← لِنَجْتَهِدْ ← مضارع التزامی)
۷. باید گوش فرا بدهند (لِ + امر) + فعل غایب (يَسْتَمِعُ) ← لِيَسْتَمِعْ (مضارع التزامی)) / «إِنْ: اگر ← ادات شرط» / «تَرْجِعُ» فعل شرط است. (مضارع التزامی)) / «أَرْجِعُ» جواب شرط است ← مضارع اخباری)
۹. سخن بگوید («مَنْ: هرکس ← ادات شرط» / «يَتَكَلَّمُ» فعل شرط است ← مضارع التزامی)
۱۰. آمرزش بخواهند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُونَ) ← مضارع التزامی)
۱۱. نیکی بشود (أَنْ + فعل مضارع مجهول ← يُحْسَنُ (مضارع التزامی))
۱۲. باید بخوانیم (لِ + امر) + فعل متکلم (نَقْرَأُ) ← لِنَقْرَأْ (مضارع التزامی)) / تا آگاه شویم (لِ + فعل مضارع (نَطْلِعُ) ← لِي نَطْلِعْ ← مضارع التزامی)
۱۳. کمک کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← مضارع التزامی)
۱۴. یاد کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَذَكِّرُ) ← مضارع التزامی)
۱۵. مورد ستم واقع شوی (أَنْ + فعل مضارع مجهول (تُظَلَّمُ) ← أَنْ تُظَلَّمْ (مضارع التزامی))
۱۶. نباید به یاد آورند
(لا نهی) + فعل غایب (يَتَذَكَّرَانِ) ← لا يَتَذَكَّرَا ← مضارع التزامی منفی)
۱۷. رفتار کنند
(أَنْ + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← أَنْ يُعَامِلُوا ← مضارع التزامی)
۱۸. که برگردد (أَنْ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← أَنْ يَرْجِعْ (مضارع التزامی))
۱۹. نباید غمگین کند (لا نهی) + فعل غایب (يَخْزُنُ) ← لا يَخْزُنْ (مضارع التزامی منفی))
۲۰. تا کمک کند
(لِ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← لِيُكِّنِي يُسَاعِدَ ← مضارع التزامی)
۲۱. گزینه «۳»: «يَسْتَفِيدُ» فعل مضارع در صیغه مفرد مذکر غایب است و با کلمه «الإنسان» که مفرد مذکر است مطابقت دارد؛ در ضمن حرکت آخر فعل به خاطر وجود «أَنْ» فتحه می گیرد. ← ترجمه عبارت: انسان دانا باید از وجه سودمند استفاده کند.)
۲۲. گزینه «۲»: با توجه به ضمیر متکلم وحده «ي» در «لَيْتَنِي» فعل نیز به صورت متکلم وحده می آید. ← ترجمه عبارت: کاش من همه شهرهای کشورم را ببینم.

۵. لَيْتَ (ای کاش)، لَعَلَّ (شاید، گاهی، امید است و ...)

فعل مضارع ← مضارع التزامی

«لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ»	ای کاش قوم من بدانند.
«... لَعَلَّهُمْ يَقْبَلُونَ»	شاید آن ها خردورزی کنند.

۶. مضارع + مضارع ← مضارع التزامی (و یا مضارع اخباری)

أَفْتَحِرْ بِطَالِبٍ يَسْعَى فِي مَضَارِعِ	به دانش آموزی افتخار می کنم که در کسب فضیلت های اخلاقی بکوشد. (می کوشد)
اِكْتِسَابِ الْفَضَائِلِ الْاَخْلَاقِيَّةِ.	

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. لَعِبَ (بازی کرد) ← لا تَلْعَبْ تَلْمِيذَةٌ ذَكِيَّةٌ فِي الصَّفِّ. (دی ۱۴۰۵)
۲. كَتَبَ (نوشت) ← الأَطْفَالُ لا يَكْتُبُوا عَلَى الأشْجَارِ. (دی ۱۴۰۵)
۳. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← أَنْ نَمْتَنِعَ. (آذر ۱۴۰۵)
۴. قَاتَلَ (جنگید) ← لا يُقَاتِلْ صَدِيقَهُ. (خرداد ۱۴۰۰)
۵. لِيُجْرِيَ فِيهِ تِجَارَتِهِ. (شهریور ۹۹)
۶. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← نَحْنُ لِنَجْتَهِدُ. (خرداد ۹۹)
۷. لِيَسْتَمِعَ الحُضَارَ بِدَقَّةٍ حَتَّى يَدْرِكُوا كَلَامَهُ. (شهریور ۹۸)
۸. اِنْ تَرْجِعْ اَرْجِعْ. (شهریور ۹۸)
۹. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← مَنْ يَتَكَلَّمْ فِي الامْتِحَانِ يَحْسُرْ. (خرداد ۹۸)
۱۰. اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← لَيْتَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لِدُنُوبِهِمْ. (خرداد ۹۸)
۱۱. أَحْسَنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. (خرداد ۹۸)
۱۲. لِنَقْرَأْ هَذِهِ القِصَّةَ لِي نَطْلِعَ عَلَى أفعالِ الإنسانِ. (خرداد ۹۸ - دی خارج ۱۴۰۰ - دی خارج ۹۷)
۱۳. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَيْتَهُ يُسَاعِدُ. (تیر ۹۸)
۱۴. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَيْتَهُ يَذَكِّرُ. (دی ۹۷)
۱۵. لا تَظْلِمُ كَمَا لا تُحِبُّ أَنْ تُظَلَّمَ. (دی ۹۷)
۱۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لا يَتَذَكَّرَا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۷. عَامَلَ (رفتار کرد) ← أَنْ يُعَامِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۸. هُوَ يُرِيدُ أَنْ يَرْجِعَ. (دی خارج ۹۹)
۱۹. «يا أَيُّهَا الرِّسُولُ لا يَخْزُنْكَ الذِّينَ يُسَارِعُونَ فِي الكُفْرِ» (دی خارج ۹۹)
۲۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لِيُكِّنِي يُسَاعِدَ. (خرداد خارج ۹۸)

اِنتخب الفعل المناسب للفراغ:

۲۱. عَلَى الإنسانِ العاقلِ أَنْ مِنَ الوَجْهِ النَّافِعِ. (خرداد ۹۹)
- ۱) يَسْتَفِيدُ ○ ۲) تَسْتَفِيدُ ○ ۳) يَسْتَفِيدُ
۲۲. لَيْتَنِي جَمِيعَ مُدُنِ بِلادِي. (شهریور ۹۸)
- ۱) يُشَاهِدُ ○ ۲) أَشَاهِدُ ○ ۳) تُشَاهِدُ

۱۱. گزینۀ «۲»: (با توجه به کلمۀ «الطَّيُّور» که جمع مکسّر غیرعاقل است، فعل در صیغۀ مفرد مؤنث می‌آید؛ «تَلَجَّأً») ← ترجمۀ عبارت: گاهی پرندگان به چاره‌اندیشی پناه می‌برند.
۱۲. گزینۀ «۳»: گاهی یاد می‌کند (قَد + فعل مضارع (يَذْكُرُ))

امر
(۱)

● فعل امر، فعلی است که در آن به انجام دادن کاری دستور می‌دهیم.
 < اِجْلِسْ: بنشین / اَدْخُلُوا: داخل شوید / اُرْسِلَا: بفرستید

ساخت فعل امر از صیغه‌های مخاطب:

با حذف حرف مضارع «ت» به ساکن می‌رسیم و برای سهولت تلفظ همزه می‌آوریم و سپس فعل‌های دارای «ت» در انتهای فعل به ساکن ـ و فعل‌هایی که «ن» دارند، «نونشون» حذف میشه به جز نون جمع مؤنث، (دقت کنین این تغییرات در فعل ثلاثی مجرد و فعل‌های ثلاثی مزید در باب‌های «اِسْتِفْعَال»، «اِفْتِعَال»، «اِفْعَال» هست.)

< یادتون باشه حرکت همزه متناسب با حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) هست. اگه ضمه بود میشه ضمه (ـُ) و اگر کسره بود همون «ـِ» ولی اگه فتحه بود میشه ـِ (کسره) فقط یک استثناء داریم و اون هم در باب «اِفْعَال» هست که کسره به «فتحه» تبدیل میشه. پس همزه فعل امر در باب «اِفْعَال» همیشه مفتوح (ـَ) هست.

«... اِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ ...» (فعل امر از «تَرْجِعِينَ»)	به سوی پروردگارت بازگرد.
«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (فعل امر از «تَسْتَعِينُونَ»)	و از بردباری و نماز یاری بجویید.

< به وزن‌های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب‌های «اِسْتِفْعَال»، «اِفْتِعَال»، «اِفْعَال» دقت کنید تا آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید. (با ذکر یک نمونه فعل براتون توضیح دادیم.)

باب	ماضی	مضارع	مصدر	امر
اِسْتِفْعَال	اِسْتَفْعَرَ (امرزش خواست)	يَسْتَفْعِرُ (امرزش می‌خواهد)	اِسْتِفْعَار (امرزش خواستن)	اِسْتَفْعِرْ (امرزش بخواه)
اِفْتِعَال	اِمْتَنَعَ (خودداری کرد)	يُمْتَنِعُ (خودداری می‌کند)	اِفْتِنَاع (خودداری کردن)	اِمْتَنِعْ (خودداری کن)
اِنْفِعَال	اِنْسَحَبَ (عقب‌نشینی کرد)	يُنْسَحِبُ (عقب‌نشینی می‌کند)	اِنْسِحَاب (عقب‌نشینی کردن)	اِنْسَحِبْ (عقب‌نشینی کن)
اِفْعَال	اَجْلَسَ (نشاند)	يُجْلِسُ (می‌نشاند)	اِجْلَاس (نشاندن)	اَجْلِسْ (بنشان)

< به فعل‌های ماضی و امر این چهار باب دقت کنید، حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی) در ماضی، فتحه (ـَ) و در امر، کسره (ـِ) است.

من فضلكم اِجْتَهِدُوا.
(خرداد ۱۴۰۰) لطفاً تلاش کنید.
(فعل امر از «تَجْتَهِدُونَ»)

قَد +
مضارع

۱۲
تکرار

● هرگاه حرف «قَد» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع را با قید «گاهی، شاید» ترجمه می‌کنیم.

قَد + مضارع ← گاهی / شاید

< قَد + اَلْعَبُّ ترجمه ← گاهی بازی می‌کنم، شاید بازی کنم
 ● در ترجمۀ فعل مضارع همراه با «قَد» از فرمول «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» استفاده می‌کنیم.

قَد اَذْهَبَ إِلَى الْقَرْيَةِ لِيَجُوهَا الْمُعْتَدِلُ.

گاهی به روستا به خاطر هوای معتدلش می‌روم.	شاید به روستا به خاطر هوای معتدلش بروم.
---	---

ایستگاه سؤال

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:

- لَعِبَ (بازی کرد) ← قَد يَلْعَبُ الطِّفْلُ فِي الْغَرْفَةِ. (دی ۱۴۰۱)
- تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← التَّلَامِيذُ قَد يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)
- ذَكَرَ (یاد کرد) ← قَد يَذْكُرُ جَدِّي صَدِيقَهُ. (دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰)
- اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُوَ قَد يَجْتَهِدُ. (خرداد ۱۴۰۰)
- و قَد يَذْكُرُهُمْ. (شهریور ۹۸)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← قَد يَتَكَلَّمُ مَعَ صَدِيقِهِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
- شَجَعَ (تشویق کرد) ← قَد يُشَجِّعُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- عَلَّمَ (یاد داد) ← قَد يُعَلِّمُ الدَّرْسَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- صَنَعَ (ساخت) ← هِيَ قَد تَصْنَعُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- قَلَّدَ (تقلید کرد) ← قَد يُقَلِّدُونَ. (دی خارج ۹۹)

اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ:

- قَد الطَّيُّورُ إِلَى جَيْلٍ. (شهریور ۱۴۰۰)
- (۱) يَلْجَأُ ○ (۲) تَلْجَأُ ○ (۳) يَلْجَوُونَ (خرداد خارج ۹۸)
- قَد يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ. (خرداد خارج ۹۸)
- (۱) یاد کرده است
- (۲) گاهی یاد خواهد کرد
- (۳) گاهی یاد می‌کند

پاسخ سؤالات

- گاهی بازی می‌کند، شاید بازی کند (قَد + فعل مضارع (يَلْعَبُ))
- گاهی یاد می‌گیرند، شاید یاد بگیرند (قَد + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ))
- گاهی یاد می‌کند، شاید یاد کند (قَد + فعل مضارع (يَذْكُرُ))
- گاهی تلاش می‌کند، شاید تلاش کند (قَد + فعل مضارع (يَجْتَهِدُ))
- گاهی یاد می‌کند، شاید یاد کند (قَد + فعل مضارع (يَذْكُرُ))
- گاهی سخن می‌گوید، شاید سخن بگوید (قَد + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ))
- گاهی تشویق می‌کند، شاید تشویق کند (قَد + فعل مضارع (يُشَجِّعُ))
- گاهی یاد می‌دهد، شاید یاد بدهد (قَد + فعل مضارع (يُعَلِّمُ))
- گاهی می‌سازد، شاید بسازد (قَد + فعل مضارع (تَصْنَعُ))
- گاهی تقلید می‌کنند، شاید تقلید کنند (قَد + فعل مضارع (يُقَلِّدُونَ))

۱۸. تَذَكَّرْ (به یاد آورد) ← زَجَاءً تَذَكَّرْ. (خرداد خارچ ۱۴۰۰)
۱۹. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلُوا الْكِتَابَ. (خرداد خارچ ۱۴۰۰)
۲۰. اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← اسْتَعْفِرْ. (دی خارچ ۹۹)
۲۱. زَجَاءً تَنَاصَرُوا مَعَ أَصْدِقَائِكُمْ. (خرداد خارچ ۹۹)
- انتخب الفعل المناسب للفرغ:
۲۲. يا أيها الحارِشُ! عَنِ النَّوْمِ. (دی ۱۴۰۱)
- ۱ اِمْتَنَعَ ○ ۲ يَمْتَنِعُ ○ ۳ اِمْتَنَعِ
۲۳. «يا أيها الناسُ رَبِّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ» (شهرپور ۱۴۰۰)
- ۱ اُعْبُدْ ○ ۲ اَعْبُدُوا ○ ۳ يَعْبُدُنْ

پاسخ سؤالات

۱. «عَلَّمَ: یاد بده» (فعل امر از باب «تَفْعِيل» است).
 ۲. «تَعَلَّمُوا: بیاموزید، یاد بگیرید» فعل امر از باب «تَفَعَّل» است. (دقت کنید: «تَعَلَّمُوا» می‌تونه ماضی هم باشه: «فراگرفتند») ولی با توجه به کلمه «زَجَاءً»: لطفاً) که معنای درخواست کاری را می‌ده، این فعل در معنای امر هست.
 ۳. «اسْتَعْفِرُوا: آمزش بخواید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد). و نباید آن را با فعل ماضی «اسْتَعْفَرُوا: آمزش خواستند» اشتباه گرفت.
 ۴. «اسْتَعْفَرَ: آمزش خواستن» مصدر باب «اسْتَفْعَال» و به معنای «آمزش خواستن» است.
 ۵. «تَذَكَّرَنْ: به یاد آورد» فعل امر از باب «تَفَعَّل» است. (دقت کنید که فعل «تَذَكَّرَنْ: به یاد آوردند» ماضی هم می‌تواند باشد ولی با توجه به ندایی بودن جمله «أَيُّهَا...»، این فعل، امر است).
 ۶. «اجْتَهَدُوا: تلاش کنید» فعل امر از باب «افْتِعَال» و به معنای «تلاش کنید» است. («اجْتَهَدُوا: تلاش کردند» ماضی است).
 ۷. «قَاتِلْ: جنگ» فعل امر از باب «مُفَاعَلَة» است.
 ۸. «المُعَامَلَة: معامله» مصدر باب «مُفَاعَلَة» و به معنای «رفتار کردن» است.
 ۹. «شاهدوا: مشاهده کنید، ببینید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با «شاهدوا: مشاهده کردند، دیدند» که ماضی است اشتباه گرفت.
 ۱۰. «الاجْتِهَاد: اجتهاد» مصدر باب «افْتِعَال» و به معنای «تلاش کردن» است.
 ۱۱. «أروا: نشان دهید» فعل امر از «تَرَوْنَ» است.
 ۱۲. «أَرْسِلْ» فعل امر از باب «افْعَال» به معنای «بفرست» است.
 ۱۳. «اسْتَعْفِرُوا: آمزش بخواید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با فعل ماضی «اسْتَعْفَرُوا: آمزش خواستند» اشتباه گرفت.
 ۱۴. «أَحْسِنُوا: نیکی کنید» فعل امر از باب «افْعَال» است. («أَحْسِنُوا: نیکی کردند» فعل ماضی است).
 ۱۵. «إِعْمَلُوا» فعل امر و به معنای «عمل کنید» است.
 ۱۶. «أذْكروا» فعل امر و به معنای «یاد کنید» است.
 ۱۷. «أَرْسِلُوا» فعل امر از باب «افْعَال» و به معنای «بفرستید» است.
 ۱۸. «تَذَكَّرْ: به یاد آور» فعل امر از باب «تَفَعَّل» است.
 ۱۹. «أَرْسِلُوا: بفرستید» فعل امر از باب «افْعَال» است.
 ۲۰. «اسْتَعْفِرْ: آمزش خواه» فعل امر از باب «اسْتَفْعَال» است. («اسْتَعْفِرْ: آمزش خواست»، فعل ماضی است.)

«اجْتَهَدُوا» فعل امر (حرکت عین الفعل «کسره» هست). و از باب «افْتِعَال» است و نباید آن را با ماضی «اجْتَهَدُوا» اشتباه بگیرید.
 < حالا به ساخت فعل امر باب‌های «مُفَاعَلَة»، «تَفَاعُل»، «تَفَعَّل»، «تَفَعَّل» دقت کنید. (هنگام امر این فعل‌ها، زمانی که حرف مضارع «ت» را حذف می‌کنیم به راحتی می‌توانیم فعل را بخوانیم، بنابراین نیازی به همزه فعل امر نداریم.)

تجاهد لیس (جاهد مبارزه کن) تَعَلَّمُونَ امر (یاد دهید)

< به وزن های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب‌های «مُفَاعَلَة»، «تَفَاعُل»، «تَفَعَّل»، «تَفَعَّل» دقت کنید تا آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید.

باب	مُفَاعَلَة	تَفَاعُل	تَفَعَّل	تَفَعَّل
ماضی	كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد)	تَقَاعَدَ (بازنشسته شد)	عَلَّمَ (یاد داد)	تَذَكَّرَ (به یاد آورد)
مضارع	يُكَاتِبُ (نامه‌نگاری می‌کند)	يَتَقَاعَدُ (بازنشسته می‌شود)	يُعَلِّمُ (یاد می‌دهد)	يَتَذَكَّرُ (به یاد می‌آورد)
مصدر	مُكَاتِبَة (نامه‌نگاری کردن)	تَقَاعُد (بازنشسته شدن)	تَعْلِيم (یاد دادن)	تَذَكُّر (به یاد آوردن)
امر	كَاتِبْ (نامه‌نگاری کن)	تَقَاعَدْ (بازنشسته شو)	عَلِّمْ (یاد بده)	تَذَكَّرْ (به یاد آور)
توضیحات	به ماضی و امر دقت کنید.	مصدر را با فعل امر اشتباه نگیرید.	ماضی را با فعل امر اشتباه نگیرید.	به ماضی و مصدر و امر دقت کنید.

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. عَلَّمَنِي الْكُتُبَ النَّافِعَةَ. (ردیبهشت ۱۴۰۴)
۲. تَعَلَّمْ (یاد گرفت) ← زَجَاءً تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ. (دی ۱۴۰۵)
۳. اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← اسْتَعْفِرُوا اللَّهَ جَمِيعاً. (دی ۱۴۰۵)
۴. اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← اسْتَعْفِرُوا النَّاسَ مِنَ اللَّهِ مَحْمُودًا. (دی ۱۴۰۵)
۵. تَذَكَّرْ (به یاد آورد) ← أَيُّهَا الطَّالِبَاتُ! تَذَكَّرْنَ الْوَاجِبَاتِ. (شهرپور ۱۴۰۵)
۶. اجْتَهَدْ (تلاش کرد) ← مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهَدُوا. (خرداد ۱۴۰۰)
۷. قَاتِلْ (جنگید) ← قَاتِلِ الْأَعْدَاءَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۸. عَامَلْ (رفتار کرد) ← الْمُعَامَلَةَ. (شهرپور ۹۹)
۹. شاهدْ (دید) ← زَجَاءً شاهدوا. (خرداد ۹۹)
۱۰. اجْتَهَدْ (تلاش کرد) ← الاجْتِهَادَ. (خرداد ۹۹)
۱۱. «هَذَا خَلَقَ اللَّهُ فَأَرْوِي...» (دی ۹۸ - دی ۹۷)
۱۲. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلْ. (دی ۹۹)
۱۳. أَيُّهَا النَّاسُ، اسْتَعْفِرُوا لِدُنُوبِكُمْ. (خرداد ۹۸)
۱۴. «أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (دی ۹۸ - دی ۹۷)
۱۵. عَمِلْ (عمل کرد) ← إِعْمَلُوا. (دی خارچ ۱۴۰۰)
۱۶. ذَكَّرْ (یاد کرد) ← أذْكروا رَبِّكُمْ. (دی خارچ ۱۴۰۰)
۱۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلُوا. (خرداد خارچ ۱۴۰۰)

۶. باید موقّق شود (ل + فعل مضارع غایب (يُنَجِّحُ) ← لِيُنَجِّحَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۷. باید کمک کند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُ) ← لِيُسَاعِدَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۸. باید بفرستد (ل + فعل مضارع غایب (يُرْسِلُ) ← لِيُرْسِلَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۹. باید بخوانیم (ل + فعل مضارع متکلم (تَقْرَأُ) ← لِنَقْرَأُ (امر غایب) ← مضارع التزامی)

● فعل معلوم: فعلی است که فاعل آن در جمله مشخص و معلوم باشد.

کودک غذایی را خورد.

أَكَلَ الطُّفْلُ طَعَامَهُ.

فعل معلوم فاعل

● تشخیص فعل ماضی مجهول

حرف ما قبل آخر: کسره (ـِ)

حروف حرکت دار قبل از حرف آخر: ضمه (ـُ)

كُتِبَ مجهول (نوشته شد)

اُكْتُبَ مجهول (به دست آورده شد)

● تشخیص فعل مضارع مجهول

حرف ما قبل آخر: فتحة (ـَ)

حرف مضارعه: ضمه (ـُ)

يُكْتَبُ مجهول (نوشته می شود)

● در ترجمه فعل ماضی مجهول از فعل کمکی «شدن» استفاده می کنیم.

منبری برایش نصب شد. (برپا شد)

نُصِبَ لَهُ مِنْبُرٌ.

ماضی مجهول

● در ترجمه فعل مضارع مجهول از فعل «می شود» و مشتقات آن استفاده می کنیم.

هنگام سختی ها، برادران شناخته می شوند.

عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعْرَفُ الْإِخْوَانُ.

مضارع مجهول

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. أمر أنوشروان أن يعطى للفلاح ألف دينار. (اردیبهشت ۱۴۰۲ - دی ۹۸)
۲. لا تطلم كما لا تحب أن تطلم. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
۳. شحّ (تشویق کرد) ← التلمیذات یسجّعن فی الصفّ. (خرداد ۱۴۰۱)
۴. عفر (آمرزید) ← لا یعفر المخطئ. (دی ۱۴۰۰)
۵. «خلق الإنسان ضعیفاً» (دی ۱۴۰۰)
۶. قطع (برید) ← قطع شجرة. (شهریور ۱۴۰۰)
۷. خلق (آفرید) ← خلق. (دی ۹۹)
۸. یحکن أن مزارعاً كانت له مزرعة كبيرة. (دی ۹۹)
۹. قطع (برید) ← ما قطع رجائي. (دی خراج ۱۴۰۰)
۱۰. تمنح جائزة نوبل إلى من یفید البشرية. (خرداد خراج ۹۹)
۱۱. بالتعلیم أُرسلت. (دی ۹۷ - دی خراج ۹۷)

۲۱. «تنصروا: همیاری کنید» فعل امر از باب «تفعلل» است. (دقت کنین «تنصروا») می تونه ماضی هم باشه (همیاری کردند)؛ ولی با توجه به کلمه «رجاء: لطفاً» که معنای درخواست کاری را می دهد و نیز ضمیر متصل «کم» در «أصدقائکم» که بر مخاطب دلالت دارد، این فعل در معنای امر است.
۲۲. گزینه «۳»: «إمتنع» فعل امر از باب «إفیتعال» است و با توجه به «أیها الحارِس» که بر مفرد مذکر مخاطب دلالت دارد، در صیغه «للمخاطب» آمده است.
۲۳. گزینه «۲»: «یا ایها الناس...» بر جمع مذکر مخاطب دلالت دارد؛ بنابراین فعل امر «أعبدوا» در همین صیغه مناسب جای خالی است.

ساخت فعل امر از صیغه های غایب و متکلم:

● حرف «ل» باید بر سر فعل های غایب و متکلم نیز نوعی دیگر از فعل امر به شمار می رود. (دقت کنین که «ل» امر غایب و متکلم، آخر فعل را ساکن می کنه و نون دارها، نونشون حذف میشه به جز نون جمع مؤنث.)

لینجّع ← باید برگردد (ل + فعل مضارع غایب)

لأبجث ← باید جست و جو کنم (ل + فعل مضارع متکلم)

این نوع از فعل امر به صورت زیر ترجمه می شود:

باید + مضارع التزامی

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. ساعد (کمک کرد) ← الأغنیاء لیساعدوا الفقراء. (دی ۱۴۰۱)
۲. صنع (ساخت) ← النجار یصنع منضدة. (خرداد ۱۴۰۱)
۳. تدكّر (به یاد آورد) ← لیتدكّر درسه. (دی ۱۴۰۰)
۴. اجتهد (تلاش کرد) ← لیجتهد. (خرداد خراج ۹۹)
۵. إمتنع (خودداری کرد) ← لئمتنع. (آذر ۱۴۰۱)
۶. نجح (موقّق شد) ← لینجح. (شهریور ۹۸)
۷. ساعد (کمک کرد) ← هو لیساعد. (شهریور ۹۹)
۸. أُرسل (فرستاد) ← لیرسل. (دی ۹۹)
۹. لنقرأ هذه القصّة لکی نطلع علی أفعال الإنسان. (خرداد ۹۸ - دی خراج ۱۴۰۰)

پاسخ سوالات

۱. باید کمک کنند (ل + فعل مضارع غایب (یساعدون) ← لیساعدوا (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۲. باید بسازد (ل + فعل مضارع غایب (یصنع) ← لیصنع (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۳. باید به یاد بیورد (ل + فعل مضارع غایب (یتدكّر) ← لیتدكّر (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۴. باید بکوشد (تلاش کند) (ل + فعل مضارع غایب (یجتهد) ← لیجتهد (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۵. باید خودداری کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (ئمتنع) ← لئمتنع (امر غایب) ← مضارع التزامی)

انتخب الصحیح للفراغ:

۱۲. نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ تَرِيلاً

- (۱) فرود آورده شدند
- (۲) فرود آورده می شوند
- (۳) فرود آمدند

(خرداد ۹۹)

۱۳. كَانَتْ إِضَاءَةُ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا

- (۱) يُدْرِكُ
- (۲) تُدْرِكُ
- (۳) يُدْرِكُونَ

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

لا تَحْزَنِي (مرا غمگین نمی کند)

«ن» دوم وقایه است و ضمیر «ی» مفعول است و «مرا» ترجمه می شود.

أَعْيَتِي (کمکم کن، به من کمک کن) ← أَعِنَ (فعل امر) + ن + ي (أَعْيَتِي)

بنابراین با توجه به «ن» متوجه می شویم که نون دوم وقایه است. (عَوْن)

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الطَّلَابُ سَاعَدُونِي. (دی ۱۴۰۱)
۲. حَفِظَ (حفظ کرد) ← قَدْ حَفِظْتَنِي إِيمَانِي. (خرداد ۹۹)
۳. عَامَلَ (رفتار کرد) ← عَامِلِنِي. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۴. عَلَّمَ (یاد داد) ← عَلَّمْتَنِي عِلْمَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← زَجَاءَ سَاعِدْتَنِي. (دی خارج ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← زَجَاءَ سَاعِدُونِي. (خرداد خارج ۹۸)
۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ سَاعَدُونِي. (دی خارج ۹۸ - تیر ۹۸)
۸. أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ. (دی خارج ۹۷)
۹. عَيَّنَ نَوْنَ الْوَقَايَةِ: (خرداد ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. به من کمک کردند (سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۲. مرا حفظ کرده است (قَدْ حَفِظَ (ماضی نقلی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۳. با من رفتار کن (عَامِلْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۴. به من یاد بده (عَلِّمْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۵. به من کمک کن (سَاعِدْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۶. به من کمک کنید (سَاعِدُوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۷. به من کمک کردند (سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۸. مرا یاری دهید (أَعِينُوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۹. گزینه «۱»: «مرا حفظ کن (احم) (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل)» بررسی گزینه (۲): «لا تَحْزَنِي» فعل نهی از «تَحْزَنِي» است و «ن» در آن جزء ریشه فعل است و وقایه نمی باشد. (حَزَنَ: ریشه فعل)

نون وقایه

• هرگاه فعلی (ماضی، مضارع، امر) به ضمیر «ی» متصل شود میان نشان «نون» می آید که به آن «وقایه» گفته می شود.

◀ أَخَذَ + ن (وقایه) + ي ← أَخَذْتَنِي (مرا برد)

• ضمیر متصل «ی» پس از «نون وقایه» مفعول است و به صورت «مرا / به من» ترجمه می شود.

◀ أَزِيذْتَنِي ← مرا راهنمایی کن.

فعل + ن + ي

ماضی / مضارع / امر + ن + ي ← ترجمه ضمیر «ی» (به من، مرا)

◀ فعل هایی که «نون» آخرین حرف اصلی آن هاست مانند «يَحْزَنُ، سَكَنَ، يَفِنَ، حَسِبَ و ...» فقط هنگامی «نون» وقایه دارند که علاوه بر «نون» خود، حرف «نون» دیگری هم داشته باشند.

لا تَحْزَنِي (غمگین نشو)

«ن» جزو خود کلمه است و ضمیر «ی» مفعول ترجمه نمی شود؛ بلکه فاعل هست.

يا أختي الكريمة أحسني إلى المساكين. ای خواهر بخشنده ام به بیچارگان نیکی کن.

فعل «أَحْسَنِي» امر از «تَحْسِنِينَ» می باشد و ریشه فعل «حَسِبَ» هست، پس «نون» جزو ریشه اصلی فعله و چون «ن» دیگری نداریم ضمیر «ی» ضمیر متصل فاعلی هست.

قسمت ۳

تمارین کتاب درسی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ | التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

الف) رَجَاءً، أُكْتُبَنَّ حَلَّ الْأَسْئَلَةِ مَعَ زَمِيلَاتِيكَنَّ.	۱) لطفاً حلّ پرسش‌ها را با هم‌کلاسی‌هایتان بنویسید.
ب) إِنْ تَكْتُبَ بِعَجَلَةٍ، فَسَيُضَيِّحُ خَطَّكَ قَبِيحاً.	۲) اگر با عجله بنویسی خطت زشت خواهد شد.
ج) أُرِيدُ أَنْ أَكْتُبَ ذِكْرِي فِي دَفْتَرِ الذُّكْرِيَّاتِ.	۳) می‌خواهم [که] خاطره‌ای در دفترِ خاطرات بنویسم.
د) لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.	۴) [انسان] خردمند، روی آثار تاریخی نخواهد نوشت.
ه) إِنَّهُ سَوْفَ يَكْتُبُ أَفْكَارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ.	۵) قطعاً او اندیشه‌هایش را روی کاغذ خواهد نوشت.
و) عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ كَانَ يَكْتُبُ تَمْرِينَهُ.	۶) هنگامی‌که او را دیدم، تمرینش را می‌نوشت.
ز) قَدْ يَكْتُبُ الْكُتُوبَ التَّمَارِينِ الدَّرْسِ.	۷) تنبل، تمرین‌های درس را گاهی می‌نویسد (شاید بنویسد).
ح) يَا تَلَامِيذُ، لِمَ لَا تَكْتُبُونَ التَّرْجَمَةَ؟	۸) ای دانش‌آموزان، چرا ترجمه را نمی‌نویسید؟
ط) رَجَاءً، لَا تَكْتُبُوا عَلَى جِلْدِ الْكِتَابِ.	۹) لطفاً روی جلد کتاب ننویسید.
ی) هِيَ قَدْ كَتَبَتْ رِسَالَةً لِصَدِيقَتِهَا.	۱۰) او نامه‌ای به دوستش نوشته است.
ک) لِيَكْتُبَ جُمَلًا جَمِيلَةً فِي دَفَاتِرِنَا.	۱۱) در دفترهایمان جمله‌هایی زیبا باید بنویسیم.
ل) أَنَا لَمْ أَكْتُبْ وَاجِبَاتِي أَمْسٍ.	۱۲) من دیروز تکلیف‌هایم را ننوشتم (ننوشته‌ام).
م) مَا كَتَبْنَا شَيْئًا عَلَى الْجِدَارِ.	۱۳) روی دیوار چیزی ننوشتیم.
ن) كُتِبَ حَدِيثٌ عَلَى اللَّوْحِ.	۱۴) حدیثی روی تخته نوشته شد.
س) كَانُوا يَكْتُبُونَ الْأَجْوِبَةَ.	۱۵) جواب‌ها را می‌نوشتند.
ع) كَانُوا قَدْ كَتَبُوا دَرَسَهُمْ.	۱۶) درسشان را نوشته بودند.
ف) يَكْتُبُ نَصَّ قَصِيرٍ.	۱۷) متنی کوتاه نوشته می‌شود.

نکات ترجمه

۱ «أَكْتُبَنَّ» فعل امر از «تَكْتُبُونَ» است.	۹ «لَا» ی نهی + فعل مضارع تغییریافته (تَكْتُبُوا) ← نهی
۲ «إِنْ: اگر» ← ادات شرط / «تَكْتُبُ» فعل شرط است و مضارع التزامی ترجمه می‌شود.	۱۰ قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْتَ) ← ماضی نقلی
۳ أَنْ + فعل مضارع (أَكْتُبُ) ← مضارع التزامی	۱۱ لِ (امر) + فعل متکلم (تَكْتُبُ) ← لِتَكْتُبُ ← باید + مضارع التزامی
۴ لَنْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← لَنْ يَكْتُبُ ← (مستقبل منفی)	۱۲ لَمْ + فعل مضارع (أَكْتُبُ) ← لَمْ أَكْتُبُ ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی
۵ سَوْفَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← مستقبل	۱۳ مَا + فعل ماضی (كَتَبْنَا) ← ماضی منفی
۶ كَانَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← ماضی استمراری	۱۴ «كُتِبَ» بر وزن «فُعِلَ» فعل ماضی مجهول است.
۷ قَدْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.	۱۵ كانوا + فعل مضارع (يَكْتُبُونَ) ← ماضی استمراری
۸ «لَا» ی نهی + فعل مضارع تغییرنیافته (تَكْتُبُونَ) ← مضارع منفی	۱۶ كانوا + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبُوا) ← ماضی بعید
	۱۷ «يَكْتُبُ» بر وزن «يُفْعَلُ» فعل مضارع مجهول است.

الدَّرْسُ الثَّانِي | التَّمْرِينُ السَّادِسُ

الف) كَتَبَ: نوشت	<p>۱ قَدْ كُتِبَ التَّمْرِينُ: تمرین نوشته شد.</p> <p>۲ لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ چرا درست را نمی نویسی؟</p> <p>۳ لَمْ تَكْتُبِي شَيْئًا: چیزی را ننوشتی (ننوشته ای)</p>
ب) تَكَاتَبَ: نامه نگاری کرد	<p>۴ اَلصَّدِيقَانِ تَكَاتَبَا: دو دوست با یکدیگر نامه نگاری کردند.</p> <p>۵ رَجَاءٌ تَكَاتَبَا: لطفًا با یکدیگر نامه نگاری کنید.</p> <p>۶ تَكَاتَبَ الرَّمِيلَانِ: دو همکلاسی با یکدیگر نامه نگاری کردند.</p>
ج) مَنَعَ: بازداشت، منع کرد	<p>۷ مُنِعْتُ عَنِ الْمَوَادِّ الشُّكْرِيَّةِ: از مواد قندی منع شدم.</p> <p>۸ لَا تَمْتَنِعْنَا عَنِ الْخُرُوجِ: ما را از بیرون رفتن منع نکن (باز ندار).</p>
د) اِمْتَنَعَ: خودداری کرد	<p>۹ لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الْخُرُوجِ: از بیرون رفتن خودداری نخواهیم کرد.</p> <p>۱۰ لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ: از خوردن خودداری نکنید.</p> <p>۱۱ كَانَ الْحَارِثُ قَدْ اِمْتَنَعَ عَنِ التَّوْمِ: نگهبان از خواب خودداری کرده بود.</p>
ه) عَمِلَ: کار کرد، عمل کرد	<p>۱۲ لِمَ مَا عَمِلْتُمْ يَوْجِبَاتِكُمْ؟ چرا به وظایفان عمل نکردید؟</p> <p>۱۳ أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می کنید؟</p>
و) عَامَلَ: رفتار کرد	<p>۱۴ إِلَهِي، عَامِلْنَا بِفَضْلِكَ! خدایا! با بخشش خود با ما رفتار کن.</p> <p>۱۵ إِلَهِي، لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ! خدایا! با دادگریات با ما رفتار نکن.</p> <p>۱۶ كَانُوا يُعَامِلُونَنَا جَدًّا: به خوبی با ما رفتار می کردند.</p>
ز) ذَكَرَ: یاد کرد	<p>۱۷ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ: مؤمن پروردگارش را یاد کرده است. (یاد کرد)</p> <p>۱۸ ذُكِرْتَ بِالْخَيْرِ: به نیکی یاد شدی.</p> <p>۱۹ قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ: گاهی استاد دانش آموزان قدیمش را یاد می کند. (شاید ... یاد بکند)</p>
ح) تَذَكَّرَ: به یاد آورد	<p>۲۰ جَدِّي وَ جَدَّتِي تَذَكَّرَانِي: پدر بزرگ و مادر بزرگ مرا به یاد آوردند.</p> <p>۲۱ سَيَتَذَكَّرُنَا الْمُدْرَسُ: معلم ما را به یاد خواهد آورد.</p> <p>۲۲ لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي: همکلاسی ام، تو را به یاد نمی آورم.</p>

نکات ترجمه

۱ قَدْ + فعل ماضی مجهول (كُتِبَ) ← ماضی نقلی مجهول	۱۲ ما + فعل ماضی (عَمِلْتُمْ) ← ماضی منفی
۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (تَكْتُبِينَ) ← مضارع منفی	۱۳ «تَعْمَلُونَ» فعل مضارع جمع مذكر مخاطب است.
۳ لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبِي) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی	۱۴ «عَامِلٌ» فعل امر از باب «مُفَاعَلَةٌ» است.
۴ «تَكَاتَبَا» فعل ماضی از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۵ «لا» ی نهی + فعل تغییر یافته مضارع (تُعَامِلُ) ← نهی
۵ «تَكَاتَبَا» فعل امر از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۶ كانوا + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← ماضی استمراری
۶ «تَكَاتَبَ» فعل ماضی از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۷ قَدْ + فعل ماضی (ذَكَرَ) ← ماضی نقلی یا ساده
۷ «مُنِعْتُ» فعل ماضی مجهول است.	۱۸ «ذُكِرْتَ» فعل ماضی مجهول است.
۸ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْتَنِعْ) ← نهی	۱۹ قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← فعل مضارع «بِإِغْيَابِ» یا «شاید» ترجمه می شود.
۹ لَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعَ) ← مستقبل منفی	۲۰ فعل ماضی (تَذَكَّرَا) از باب «تَفَعَّلَ» + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۱۰ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْتَنِعُوا) ← نهی	۲۱ س + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← مستقبل
۱۱ كَانَ + (قَدْ) + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید	۲۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ | التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

الف) تَقْتَرِحُنْ: پیشنهاد می دهید	۱ رَجَاءُ اقْتَرِحُنْ: لطفاً پیشنهاد دهید.
ب) تَبْتَعِدُ: دور می شوی	۲ لَا تَبْتَعِدْ: دور نشو.
ج) تُسْرِعُ: می شتابی	۳ اَسْرِعْ: بشتاب.
د) يَعْتَذِرُ: پوزش می خواهد	۴ اَعْتَذِرْ: پوزش می خواهم.
ه) قَاتِلْ: جنگید	۵ لَا يُقَاتِلْ: نباید بجنگد.
و) اِسْتَهْلَكَ: مصرف کرد	۶ مَا اِسْتَهْلَكْنَا: مصرف نکردیم.
ز) اِنْفَتَحَ: گشوده شد	۷ لَمْ يَنْفَتِحْ: گشوده نشد، گشوده نشده است.
ح) تَطَاهَرْ: وانمود کرد	۸ لَا تَطَاهَرْ: وانمود نمی کند، وانمود نمی کنی.
ط) تَوَكَّلْ: توکل کرد	۹ سَتَتَوَكَّلْ: توکل خواهیم کرد.
ی) عَلِّمْ: آموزش بده	۱۰ عَلِّمْنِي: به من [مرا] آموزش بده.
ک) يَزِجْ: برمی گردد	۱۱ لَنْ يَزِجَ: برنخواهد گشت.
ل) يَنْجَحْ: موفق می شود	۱۲ لَيَنْجَحْ: باید موفق شود.

نکات ترجمه

- ۱ فعل امر از باب «اِفْتِعَال» ← صیغه جمع مذکر مخاطب
- ۲ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَبْتَعِدُ) ← نهی
- ۳ فعل امر از باب «اِفْعَال» صیغه مفرد مذکر مخاطب
- ۴ فعل مضارع صیغه متکلم وحده از باب «اِفْتِعَال»
- ۵ «لا» ی نهی + فعل غایب (يُقَاتِلُ) ← لَا يُقَاتِلُ ← نباید + مضارع التزامی
- ۶ ما + فعل ماضی (اِسْتَهْلَكْنَا) ← ماضی منفی
- ۷ لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يَنْفَتِحُ) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی
- ۸ «لا» ی نفی + فعل مضارع (تَطَاهَرْ) ← مضارع منفی
- ۹ سَ + فعل مضارع (تَتَوَكَّلُ) ← مستقبل
- ۱۰ فعل امر (عَلِّمْ) از باب «تَفْعِيل» + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
- ۱۱ لَنْ + فعل مضارع (يَزِجُ) ← مستقبل منفی
- ۱۲ لِ + فعل مضارع غایب (يَنْجَحُ) ← لَيَنْجَحُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی

الدَّرْسُ الرَّابِعُ | التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

۱ قَدْ أَرْسَلْ: فرستاده است	۲ سَوْفَ يُرْسِلُ: خواهد فرستاد
۳ أَرْسَلُوا: بفرستید	۴ اِرْسَلُوا: فرستادن
۵ اِنْتَبَهَ: آگاه شد	۶ سَتَنْتَبِهُونَ: آگاه خواهید شد
۷ اِنْتَبِهُوا: آگاه شوید	۸ اِنْتَبَاهُ: آگاه شدن
۹ اِنْسَحَبْتُمْ: عقب نشینی کردید	۱۰ لَا يَنْسَحِبُ: عقب نشینی نمی کند
۱۱ لَا تَنْسَحِبْ: عقب نشینی نکن	۱۲ اِنْسَحَابُ: عقب نشینی کردن
۱۳ مَا اسْتَرْجَعْ: پس نگرفت	۱۴ يَسْتَرْجِعُ: پس می گیرد
۱۵ لَا تَسْتَرْجِعِي: پس نگیر	۱۶ اِسْتَرْجَاعُ: پس گرفتن
۱۷ مَا جَادَلْ: بحث نکرد	۱۸ لَمْ يُجَادِلْ: بحث نکرد، بحث نکرده است
۱۹ لَا تُجَادِلُوا: بحث نکنید	۲۰ مُجَادَلَةٌ: بحث کردن
۲۱ تَذَكَّرْ: به یاد آورد	۲۲ يَتَذَكَّرَانِ: به یاد می آورند
۲۳ تَذَكَّرْ: به یاد آور	۲۴ تَذَكَّرُ: به یاد آوردن
۲۵ تَنَاصَرُوا: همیاری کردند	۲۶ تَتَنَاصَرُونَ: همیاری می کنید
۲۷ رَجَاءٌ تَنَاصَرُوا: لطفاً همیاری کنید	۲۸ تَنَاصَرُ: همیاری کردن
۲۹ قَدْ سَجَّلْ: ضبط کرده است	۳۰ تُسَجِّلِينَ: ضبط می کنی
۳۱ سَجَّلْ: ضبط کن	۳۲ تَسَجِيلُ: ضبط کردن

نکات ترجمه

۱ قَدْ + فعل ماضی (أَرْسَلْ) ← ماضی نقلی	۱۷ ما + فعل ماضی (جَادَلْ) ← ماضی منفی
۲ سَوْفَ + فعل مضارع (يُرْسِلُ) ← مستقبل	۱۸ لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يُجَادِلْ) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی
۳ «أَرْسَلُوا» فعل امر از باب «إِفْعَال» و صیغه جمع مذکر مخاطب است.	۱۹ «لَا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُجَادِلُونَ) ← لَا تُجَادِلُوا ← نهی
۴ مصدر باب «إِفْعَال» است.	۲۰ مصدر باب «مُفَاعَلَةٌ» است.
۵ فعل ماضی از باب «إِفْتِعَال» و صیغه مفرد مذکر غایب است.	۲۱ فعل ماضی باب «تَفَعَّل» و صیغه مفرد مذکر غایب است.
۶ سَ + فعل مضارع (تَنْتَبِهُونَ) ← مستقبل	۲۲ فعل مضارع باب «تَفَعَّل» و صیغه مثنای مذکر غایب است.
۷ «اِنْتَبِهُوا» فعل امر از باب «إِفْتِعَال» و صیغه جمع مذکر مخاطب است.	۲۳ فعل امر از باب «تَفَعَّل» و صیغه مفرد مذکر مخاطب است.
۸ مصدر باب «إِفْتِعَال» است.	۲۴ مصدر باب «تَفَعَّل» است.
۹ فعل ماضی از باب «إِنْفِعَال» و صیغه جمع مذکر مخاطب است.	۲۵ فعل ماضی از باب «تَفَاعُل» و صیغه جمع مذکر غایب است.
۱۰ «لَا» ی نفی + فعل مضارع (يَنْسَحِبُ) ← مضارع منفی	۲۶ فعل مضارع از باب «تَفَاعُل» و صیغه جمع مذکر مخاطب است.
۱۱ «لَا» نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَنْسَحِبُ) ← نهی	۲۷ فعل امر از باب «تَفَاعُل» و صیغه جمع مذکر مخاطب است.
۱۲ مصدر باب «إِنْفِعَال»	۲۸ مصدر باب «تَفَاعُل» است.
۱۳ ما + فعل ماضی (اسْتَرْجَعْ) ← ماضی منفی	۲۹ قَدْ + فعل ماضی (سَجَّلْ) ← ماضی نقلی
۱۴ فعل مضارع از باب «إِسْتِفْعَال» و صیغه مفرد مذکر غایب است.	۳۰ فعل مضارع از باب «تَفْعِيل» و صیغه مفرد مؤنث مخاطب است.
۱۵ «لَا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَسْتَرْجِعِينَ) ← لَا تَسْتَرْجِعِي ← نهی	۳۱ فعل امر از باب «تَفْعِيل» و صیغه مفرد مذکر مخاطب است.
۱۶ مصدر باب «إِسْتِفْعَال» است.	۳۲ مصدر باب «تَفْعِيل» است.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ | التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

۱ هُوَ قَدْ رَجَعَ: او برگشته است.	۸ هُوَ سَيَرْجِعُ: او باز خواهد گشت.
۲ هُوَ قَدْ يَرْجِعُ: او شاید برگردد، او گاهی برمی‌گردد.	۹ هُوَ سَوْفَ يَرْجِعُ: او باز خواهد گشت.
۳ هُوَ لَا يَرْجِعُ: او بر نمی‌گردد.	۱۰ هُوَ لَنْ يَرْجِعَ: او باز نخواهد گشت.
۴ هُوَ كَانَ قَدْ رَجَعَ: او برگشته بود.	۱۱ هُوَ لَمْ يَرْجِعْ: او برنگشته، او برگشته است.
۵ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يَرْجِعَ: او می‌خواهد که برگردد.	۱۲ هُوَ مَا رَجَعَ: او بازنگشت.
۶ رَجَاءً: اِرْجِعْ: لطفاً برگرد.	۱۳ إِنْ تَرَجَعْتَ أَرْجِعْ: اگر باز گردی، برمی‌گردم.
۷ مِنْ فَضْلِكَ: لَا تَرْجِعْ: لطفاً برنگرد.	۱۴ هُوَ كَانَ يَرْجِعُ: او باز می‌گشت.

نکات ترجمه

۱ قَدْ + فعل ماضی (رَجَعَ) ← ماضی نقلی	۹ سَوْفَ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← مستقبل
۲ قَدْ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.	۱۰ لَنْ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← مستقبل منفی
۳ «لا» ی نفی + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← مضارع منفی	۱۱ لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يَرْجِعُ) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی
۴ كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (رَجَعَ) ← ماضی بعید	۱۲ مَا + فعل ماضی (رَجَعَ) ← ماضی منفی
۵ أَنْ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← مضارع التزامی	۱۳ إِنْ + فعل مضارع (تَرْجِعُ) ← مضارع التزامی (فعل شرط) / أَرْجِعْ ← جواب شرط (مضارع اخباری)
۶ فعل امر از ثلاثی مجرد (تَرْجِعْ) و صیغه مفرد مذکر مخاطب است.	۱۴ كَانَ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← ماضی استمراری
۷ «لا» ی نفی + فعل مضارع (تَرْجِعْ) ← لَا تَرْجِعْ ← نهی	
۸ سَ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← مستقبل	

الدَّرْسُ الْخَامِسُ | التَّمْرِينُ السَّابِعُ

الف) يَسْمَعُ: اجازه می‌دهد	۱ لِيَسْمَعْ: باید اجازه بدهد	۲ لَنْ يَسْمَعَ: اجازه نخواهد داد
ب) تَكْتُمُ: پنهان می‌کند	۳ أَكْتُمُ: پنهان کن	۴ لَا تَكْتُمُ: پنهان نکن
ج) رَفَعَ: برداشت	۵ مَا رَفَعَ: برنداشت	۶ قَدْ رَفَعَ: برداشته است
د) سَاعِدُ: کمک کرد	۷ يُسَاعِدُ: کمک می‌کند	۸ سَاعِدُ: کمک کن
ه) يَصْنَعُ: می‌سازد	۹ لَا يَصْنَعُ: نمی‌سازد	۱۰ لَمْ يَصْنَعْ: نساخت، نساخته است
و) دَرَّسَ: درس داد	۱۱ يُدَرِّسُ: درس می‌دهد	۱۲ التَّدْرِيسُ: درس دادن

نکات ترجمه

۱ لِ+ فعل مضارع غایب (يَسْمَعُ) ← لِيَسْمَعْ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی	۷ فعل مضارع از باب «مُفَاعَلَةٌ» و صیغه مفرد مذکر غایب است.
۲ لَنْ + فعل مضارع (يَسْمَعُ) ← مستقبل منفی	۸ فعل امر از باب «مُفَاعَلَةٌ» و صیغه مفرد مذکر مخاطب است.
۳ فعل امر از «تَكْتُمُ» صیغه مفرد مذکر مخاطب است.	۹ «لا» ی نفی + فعل مضارع (يَصْنَعُ) ← مضارع منفی است.
۴ «لا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُمُ) ← نهی	۱۰ لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يَصْنَعُ) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی
۵ ما + فعل ماضی (رَفَعَ) ← ماضی منفی	۱۱ فعل مضارع از باب «تَفْعِيلُ» و صیغه مفرد مذکر غایب است.
۶ قَدْ + فعل ماضی (رَفَعَ) ← ماضی نقلی	۱۲ مصدر باب «تَفْعِيلُ» است.

قسم ٣

سوالات امتحانی ترکیبی

الف دی ماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

• عین الصّحیح:

- ١ يا أيُّها الحارِش! عن النّوم.
 (١) اِمْتَنَعَ (٢) يَمْتَنِعُ (٣) اِمْتَنَعَ (٣) اِمْتَنِعْ
- ٢ السّيّاح في قاعة المطار.
 (١) يَحْضُرُونَ (٢) يَحْضُرُ (٣) يَحْضُرْنَ

• تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصْدَر:

- الف) اِسْتَعْفَرَ: آمزش خواست
 ٣ اِسْتَعْفِرُوا اللهَ جَمِيعاً.
 ب) لَعِبَ: بازی کرد
 ٦ لا تَلْعَبْ تَلْمِيذَةً ذَكِيَّةً فِي الصَّفِّ.
- الف) اِسْتَعْفَرَ: آمزش خواست
 ٤ لَنْ يَسْتَغْفِرَ الْمُشْرِكُ مِنْ ذَنْبِهِ.
 ب) لَعِبَ: بازی کرد
 ٧ كانوا قَدْ لَعِبُوا فِي الخَدِيقَةِ.
- الف) اِسْتَعْفَرَ: آمزش خواست
 ٥ اِسْتَعْفَاؤُ النَّاسِ مِنْ اللهِ مَحْمُودٌ.
 ب) لَعِبَ: بازی کرد
 ٨ قَدْ يَلْعَبُ الطِّفْلُ فِي الغُرْفَةِ.

ب شهریور ماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

• عین الصّحیح:

- ٩ قَدْ الطُّيُورُ إِلَى حَيْلٍ.
 (١) يَلْجَأُ (٢) تَلْجَأُ (٣) يَلْجَوُونَ
- ١٠ الرُّمْلَاءُ فِي صالَةِ الامْتِحَانِ.
 (١) حَصَرُ (٢) حَصْرُنُ (٣) حَصَرُوا

• تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ:

- الف) كَتَمَ: پنهان کرد
 ١١ صَدِيقِي العَزِيزُ! لا تَكْتُمِ الحَقِيقَةَ.
 ب) تَذَكَّرَ: به یاد آورد
 ١٤ الأَصْدِقَاءُ يَتَذَكَّرُونَ المَعْلَمَ.
- الف) كَتَمَ: پنهان کرد
 ١٢ إِنَّهُ ما كانَ قَدْ كَتَمَ ما يَعْلَمُ.
 ب) تَذَكَّرَ: به یاد آورد
 ١٥ الجَدَّةُ كانَتْ لا تَتَذَكَّرُ وَلَدَهَا.
- الف) كَتَمَ: پنهان کرد
 ١٣ النَّاسُ لَنْ يَكْتُمُوا أَسْرارَ حَيَاتِهِمْ.
 ب) تَذَكَّرَ: به یاد آورد
 ١٦ أَيْتُهَا الطَّالِبَاتُ! تَذَكَّرْنَ الواجِبَاتِ.

ج خردادماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

عین الصحیح:

- ۱۷ ﴿فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَ لَكُنْكُمْ كُنْتُمْ.....﴾
 (۱) لا يَعْلَمُونَ (۲) لا تَعْلَمُونَ (۳) لا تَعْلَمَنْ
- ۱۸ قَدْ الْمُؤْمِنَاتُ رَبَّهُنَّ.
 (۱) ذَكَرَتْ (۲) ذَكَرَ (۳) ذَكَرَنْ

ترجم الأفعال:

- الف) صَنَعَ: ساخت
 ۱۹ التَّجَارُزُ لِيَصْنَعَ مِنْصُدَةً. ۲۰ يَا مِهْنِدِشْ! لَاتَصْنَعْ هَذَا الْبِنَاءَ. ۲۱ إِنَّهُ لَنْ يَصْنَعَ شَيْئاً.
- ب) شَجَّعَ: تشويق كرد
 ۲۲ الْوَالِدَانِ لَمْ يُشَجِّعَا الطِّفْلَ. ۲۳ كَانُوا قَدْ شَجَّعُوا الْأَعْيَبِينَ. ۲۴ التَّلْمِيذَاتُ يُشَجِّعْنَ فِي الصَّفِّ.

د دی ماه ۱۴۰۰ (۱/۵ نمره)

عین الصحیح:

- ۲۵ اللهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ.
 (۱) لَا يَرْحَمُ (۲) لَا يَرْحَمُ (۳) لَا يَرْحَمُ
- ۲۶ كُلُّ شَيْءٍ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ.
 (۱) يَرْحُصُ (۲) يَرْحُصُوا (۳) يَرْحُصُونَ

ترجم الأفعال التي تحتها خط:

- ۲۷ ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً﴾ ۲۸ مِنْ فَضْلِكُمْ؛ لَا تُجَادِلُوا.
 ۲۹ فَزَرَّ الْمَزَارِغَ التَّخْلَصَ مِنْهَا. ۳۰ اسْتَعْفَى اللهُ.

ه شهريروماه ۱۴۰۰ (۲ نمره)

عین الصحیح:

- ۳۱ ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ رَبِّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ﴾
 (۱) أَعْبَدَنْ (۲) أَعْبُدُوا (۳) يَعْبُدَنْ
- ۳۲ جَمِيعُ الطُّلَابِ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانَاتِ إِلَّا جَوَاداً.
 (۱) حَصَرَ (۲) حَصَرَتْ (۳) حَصَرُوا

ترجم الأفعال:

- الف) قَطَعَ: بُرِيد
 ۳۳ قُطِعَتْ شَجَرَةٌ. ۳۴ كَانَا يَقْطَعَانِ الْأَشْجَارَ. ۳۵ أَيُّهَا الْفَلَاحُ! لَا تَقْطَعْ شَجَرَةً.
- ب) اِمْتَنَعَ: خودداری كرد
 ۳۶ إِنَّ الْحَارِسَ كَانَ قَدْ اِمْتَنَعَ. ۳۷ لَنْ نَمْتَنَعَ عَنِ الْخُرُوجِ. ۳۸ لَمْ يَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ.